

مِنْهَا هُمْ نَوْبَةٌ كَذِيفَةٌ وَلِيَكُنْ . . . !

تأليف
محمد بن صالح المنجد

ترجمة
حيات خان

مراجعة
د / عبدالغفور بن عبد الحق البلوشي

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

المكتب التعاوني للدعوة والإرشاد وتوعية الجاليات بالطائف ، ١٤٢٨ هـ
فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

المنجد ، محمد بن صالح أريد أن أتوب . / محمد بن صالح المنجد ، حيات خان - الرياض ، ١٤٢٨ هـ

النص (٩٢ ص، ١٤٠,٥×٢٠,٥ سم)
ردمك : ٩٧٨-٩٩٦٠-٩٢٢٩-٨٠ (كتاب باللغة الفارسية)

١- التوجة (الإسلام) ٢- الوعظ والإرشاد . أ . خان حيات (مترجم)
ب. العنوان ديوبي ٢٤٠

١٤٢٨/٨٢٥٦ رقم الإيداع : ١٤٢٨/٨٢٥٦
ردمك : ٩٧٨-٩٩٦٠-٩٢٢٩-٨٠

شناسنامه کتاب

نام کتاب به عربی : أريد أن أتوب و لكن ..!

نام کتاب به فارسی : میخواهم توبه کنم ولیکن ..!

مؤلف : محمد بن صالح المنتجد .

مترجم : ابو داود خاتابادی .

سال چاپ : ۱۴۲۹ق / ۱۳۸۶هـ ش.

نوبت چاپ : اول .

سایتهاي مفید اسلامی

www.ofog.org

www.ahlesonnat.net

www.isam411.com

www.aqeedeh.com

www.isamtape.com

www.sunnionline.net

www.afghanmuslims.com

بودار گرامی، و خواننده محترم ...

شکی نیست که یکی از بزرگترین نصتهای خداوند بر بعدگانش این است که دروازه توبه را برای شان باز نموده، و آنها را برای درآمدن در آن امر فرموده، و به پذیرفتن توبه ایشان وعده نموده، و برای توبه گذاران علاوه از آمر زیدن گناهان اجر و پاداش فراوانی مهیا گرده است ..

لیکن بسیاری از مردم که میخواهند توبه کنند در راه توبه برای شان بعض مشکلات و سختیها سر میخورد، ویا بعض اشتباهات و سوالات در ذهن ایشان وارد میگردد، برای آن جواب بکار دارند، پس برای شان این کتاب قیمتناک را تقدیم میداریم که لذت شاء الله - در آن گشتهای خود را در می یابند ..

کتاب مذکور خیلی از مسائل ضروری، و احکام مهم، و قوایدهای کیافت را در زمینه جمع نموده است، و خواندن آن برای هر مسلمان ضروری است، خصوصاً کسانی که میخواهند بطور درست و صحیح توبه نمایند ..

« مترجم »

پیشگوئی مترجم

حمد و سایش خدایی را که همه بندگان خود را به توبه نمودن دعوت نموده است ، و کاهان ایشان را هرچند که زیاد باشد می آمرزد ، و به توبه نمودن ایشان شادمان شده ، و قام بدیهای ایشان را بخوبیها مبدل می سازد ، گواهی میدهم که بجز الله علیه السلام دیگر معبدی سزاوار عبادت نیست ، اوست خداوند آمرزگار توبه پذیر ، و گواهی میدهم که جناب حضرت محمد ﷺ بجدة خدا و فرساده اوست ، آن پیغمبر توبه گذار ، که میفرمودند : " يا أئيَ النَّاسُ تَوبُوا إِلَى اللَّهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ؟ فَإِنَّمَا تَوْبَ فِي الْيَوْمِ مَا تَرَأَفَ " .^(۱) ترجمه : { ای مردم .. بسوی الله علیه السلام توبه نموده ، و از او طلب آمرزش کید ؛ که من در روزی صدبار توبه میکنم } .

درود وسلام پیاپی تا بروز آخرت بر وی و بر آل واصحاب واتباع راستین وی باد .
اما بعد : برادر گرامی ، و خواننده محترم .. شکی نیست که یکی از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بندگانش این است که دروازه توبه را برای شان باز نموده ، و آنها را برای درآمدن در آن امر فرموده ، و به پذیرفتن توبه ایشان و عده نموده ، و برای توبه گذاران علاوه از آمرزیدن گکاهان _ اجر و ادعا فراوانی مهیا کرده است .

(۱) روایت امل معلم در صحیحش : کتاب الذکر بدلب استحباط الاستغفار رقم (۶۷۹۹).

وتبه کردن تنها از گهگاران مطلوب نیست ، بلکه از تمام مکلفان بشمول مومنان ونیکوکاران مطلوب است ، خدای تعالی میفرماید : «**وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**» ^(۱) سورة نور آیت : ۳۱ ترجمه : { وتبه گناید بسوی الله عزیله همه یکجا ای مومنان تا باشد که کامیاب شوید } . وچنانچه در حدیث صحیح آمده : { قم بنی آدم خطاکار اند ، و بهترین خطاکاران آنانی اند که توبه میکنند } . ^(۲)

لیکن بسیار از مردم که میخواهند توبه کنند در راه توبه برای شان بعض مشکلات و سختیها سر میخورد ، وبا بعض اشتباهها وسوالها در ذهن ایشان وارد میگردد ، برای آن جواب بکار دارند ، هس برای شان این کتاب قیمتناک را تقدیم میداریم که - إن شاء الله - در آن گشته ای خود را در می یابند .

کتاب مذکور خیلی از مسائل ضروری ، واحکام مهم ، وفایده‌های کیافت را در زمینه جمع نموده است ، وخواندن آن برای هر مسلمان ضروری است ، خصوصاً کسانیکه میخواهند بطور درست و صحیح توبه نمایند .

مؤلف این کتاب یکی از علمای گرامی اسلام " محمد صالح العجبد " است ، از خداوند کریم و مهربان برایشان اجر و پاداش بزرگ را استدعا داریم .

^(۱) روایت امام احمد و ترمذی و ابن ماجه و دیاری - رحمت الله علیهم اجمعین - نگاه : " صحیح الجامع " رقم : ۲۰۰۸ .

این بندۀ کتاب مذکور را به زبان فارسی ترجمه کردم ، تا برادران فارسی زبان از آن در
مورد توبه استقاده گیرند .

در اخیر از خداوند جلیل سوال دارم که این عمل اندک ما را خالصانه برای رضای
خویش قبول فرماید ، و باعث نفع و فایده تمام مسلمانان گرداند .
والله تعالیٰ أعلم ، وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آل وصحبه وسلم .

برادرتان : ابو داود خانابادی

باشندۀ : عربستان سعودی ، شهر طائف
سوال ، سال ۱۴۲۷ هـ ق .

پیشکشکار مؤلف

الحمد لله نحْمَدُه وَنَسْعِينَه ، مِنْ يَهْدِه اللَّهُ فَلَا مُضْلِلَ لَهُ ، وَمِنْ يَضْلِلُ فَلَا هَادِي لَهُ ،
وَأَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ .^(١) أَمَّا بَعْدُ :^(٢)
خَدَاؤنْدَ ~~بَلَقَ~~ هَمَةٌ مُوْمَنَانَ رَا بَهْ تَوْبَهُ كَرْدَنْ اَمْرَ فَرْمَوْدَهُ اَسْتَ **{ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ لِعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ }** «سُورَةُ نُورٍ آيَتٌ : ٣١» تَرْجِمَهُ : { وَرَجْوَعٍ كَيْدَ وَبَارَ كَرْدَدَ وَتَوْبَهُ مَنَانِدَ
بَسُوي خَدَائِي تَعَالَى هَمَهِ يَكْجَا اَيْ كَرُوهُ مُوْمَنَانَ تَا باشَدَ كَهْ رَسْتَكَارَ وَكَامِبَ كَرْدَدَ } .

وَخَدَائِي ~~بَلَقَ~~ بَنْدَگَانَ خَوِيشَ رَا بَدُو كَرُوهُ تَقْسِيمَ نَوْدَهُ : يَكِيْ كَرُوهُ تَوْبَهُ كَنْنَدَهُ ، وَدِيْكَرِي
كَرُوهُ ظَالِمٌ وَسَتَكَرُ ، وَدَرْ مِيَانَ اِينَ دُو_ كَرُوهِي سُومِي هَرَكَرَ وَجُودَ نَدارَد **{ وَمِنْ مِنْتَبَ**
فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ } «سُورَةُ حِجَرَاتٍ آيَتٌ : ١١»
تَرْجِمَهُ : { وَهُرَكَهْ تَوْبَهُ نَكَنْدَهُ هَسْ آنَ كَرُوهُ اِيشَانِدَ ظَالِمَانَ وَسَتَكَارَانَ } .

وَابِن زَمَانِ زَمَانِيْسِتَ كَهْ دَر آنَ بِسِيَار مرَدَمانَ از دِيَنِ خَدَاءِ دورَ شَدَهُ اَنَدَ ، هَسْ بِسَبَبِ آنَ
دُورِي_ كَاهَانَ وَفَسَادَ بِشَكَلِ عامَ مِنْتَشِرَ كَرْدَدَهُ ، تَا اَنْدَارَهِ اَيِّ كَهْ هَيْجَ يَكِيْ غَانَدَهُ كَهْ بَهْ
چِيزِي از بَدِيهَا مِبْلَلَا نَشَدَهُ باشَدَ ، مَكْ كَسِيْكَهْ خَدَاؤنْدَ ~~بَلَقَ~~ اوْرَا مَعْصَومَ كَرْدَانِدَهُ اَسْتَ .
لِيْكَنْ با وجودِ اِينَ هَمَهِ خَدَائِي ~~بَلَقَ~~ قَبُولَ غَيْكَنَدَ مَكْ اِينِكَهْ تَامَ سَازَدَ نُورَ خَوِيشَ رَا ، هَسْ
كَرُوهُ زَيَادِي از مرَدَم از غَفَلَتِ خَوِيشَ آگَاهَ كَرْدَدِنَدَ ، واَز خَوِيشَ خَوِيشَ بِيدَارَ شَدَهُ اَنَدَ ،

(١) تَرْجِمَهُ : سَيَاهَنَ وَسَتَاهِشَ مِنْ خَدَائِي رَا ، اوْرَا سَتَاهِشَ نَمُودَهُ واَز اوْ كَمَكَ مِيْخَواهِهِمَ ، هَرَ كَهْ رَا خَدَاؤنْدَ
هَدَايَتَ بِخَنْدَهُ هَرَكَزَ اوْ رَا كَمَراهَ كَنْنَدَهُ تَبَاشَدَ ، وَهَرَ كَهْ رَا خَدَاؤنْدَ كَمَراهَ سَازَدَ هَرَكَزَ اوْ رَا هَدَايَتَ كَنْنَدَهُ
تَبَاشَدَ ، كَاهَهِي مِدَهِمَ كَهْ بِجزِ اللَّهِ ~~بَلَقَ~~ دِيْكَرَ مَعْبُودَ بِرَحْقَ نَيْسَتَ ، وَأَنَّهُ مُحَمَّدَ ~~بَلَقَ~~ بَنْدَهُ خَدَاءِ وَفَرْسَتَهَهُ اَوْسَتَ .
(٢) اِينَ كَلِمَتَ يَاْعَثَ مُسْلِمَانَ شَدِنَ صَحَابِيْ جَلِيلٌ : ضَمَادَ اَزِدِي بُورَهُ ، وَقَتِيْكَهْ اَنْرَا از رَسُولِ خَدَاءِ ~~بَلَقَ~~ شَنْدَهُ مُسْلِمَانَ
شَدَهُ . نَگَاهٌ : مختصر صحيح مسلم رقم (٤٠٩) .

واحساس کوتاهی کرده اند در حق خداوند ، و بر کوتاهی و گهگاری خویش ندامت و پیشیمانی نموده اند ، پس بطرف منارة توبه به قصد توبه کردن روی گردانیدند .

و گروه دیگری از حیات شفاقت و بدجتنی ، واژ زندگی تنگ و تلخ مانده و دلزده شده اند ، وایشان در طلب و جستجوی راه برآمدن ازین تاریکیها بسوی روشنی اند .

لیکن جمعی بسیاری ازین گروه در راه توبه ایشان بعض مشکلات و سختیها بوجود میآید ، گمان میکنند که آن مشکلات ایشان را از توبه کردن مانع میگردد . بعض آن مشکلات در نفس و خاطر ایشان ، بعض دیگری در واقع و محیط ایشان است .

واز باعث آن این کتاب را نوشتم ، امیدوارم که درین کتاب بعض امور پوشیده واضح و بعض اشباهات معلوم ، بعض احکام بیان گردد ، تا آنکه شیطان رانده شود .^(۱)

این کتاب مشتمل بر نکات ذیل است :

- مقدمه (پیشگفتار) در باره خطورت سبک شمردن گاهان .^(۲)
- شرح و بیان شروط توبه .
- علاجهای گرانبها .
- فتاوی برای توبه کنندگان با دلیل‌های از قرآن کریم ، واژ سنت رسول الله ﷺ ، و سخنان علمای کرام .
- خاتمه .

^(۱) این کتاب در اصل محلضره ای بوده که بنده آن را در تاریخ (۲۷) ربیع اول از میلاد ۱۴۰۹ هـ ق الفاء نمودم .

^(۲) یعنی : در باره گاهان ناپروانی کردن . « مترجم »

میخواهم توبه کنم ولیکن !!!

و خداوند ~~شک~~ را دعا میکنم که مرا و برادران مسلمانانم را باین سخنان فوشه شده قع
وفایده نصیب کند.

و مرا از جهت برادرانم یک دعای نیک، و یا نصیحت خوب کافی است.
خداوند برای همه ما توبه نصیب کند.

محمد صالح المنجد

شهر خبر صن. پ: ۲۹۹۹.

مقدمه در باره خطوط سبک شمردن گاهان

بدان - خداوند بر من و قدر نماید - که خدای **نهنگان** همه بندگان را امیر حسنه نموده است که توبه خالصانه ادا نمایند ، و فرموده است **(يا أيها الذين آمنوا توبوا إلى الله توبة نصوحًا)** «**سورة تحریم آیت: ۸**

ترجمه : { ای آنان که ایمان آورده اید توبه کنید به سوی خداوند توبه خالصانه } .^(۱)
خداوند **نهنگان** ما را مهلت داده تا پیش ازینکه ملاکه کراما کاتین^(۲) گاهان ما را در
نامه اعمال بنویسند - توبه کنیم .

پیغامبر خدا **نهنگان** میفرماید: "لَنْ صَاحِبُ الشَّمَاءِ لِيُرْفَعَ الْقَلْمَ سَتْ سَاعَاتٍ عَنِ الْعَبْدِ
الْمُسْلِمِ الْمُخْطَطِ، فَإِنْ نَدِمَ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهَا أَلْقَاهَا وَلَا كَبَتْ وَاحِدَةً".^(۳)

یعنی : { فرشته دست چپ - که موکل به نوشتن گاهان است - مدت شش ساعت^(۴) قلم را از بندۀ مسلمان خطاط‌کار می‌بردارد^(۵)، هس آگر درین مدت پشیمان شده واز خداوند آمروزش بخواهد - فرشته آن گاه را می‌گذارد وغی نویسد ، واگرنه یک گاه نوشته می‌شود } .

و بعد از نوشتن گاه مارا مهلت دیگری داده ؛ تا پیش از اجل رسیدن توبه کنیم .

(۱) یعنی: توبه ای که تمام شرط‌توبه در آن وجود داشته باشد . « مترجم ».

(۲) فرنگان که کارهای خوب و بد انسان را می‌نویسند . « مترجم ».

(۳) روایت امام طبری در "المجمع الكبير" وامل بیهقی در "شعب الایمن" ، والباقی - رحمه الله - استند این حديث راحن گفته است . نگاه : "سلسلة الأخلاقيات الصحيحة" رقم (۲۰۹).

(۴) اختلال دارد که مراد ازین ساختهای ظکی است که پیش همه معروف است ، ویا مراد مدت لانگی از شب و روز است . نگاه : "لسان العرب" مادة: صوع ، و "فيض القدير" تالیف: الملاوي .

(۵) یعنی: گاه را که از او صادر شده نمی‌نویسد . « مترجم ».

وامروز مصیبت بسیاری از مردم این است که : خدای خود را بعظت و بزرگواری نمیشناسند (واز تافرمانی او نمی ترسند) پس او تعالی را بگاهان رنگارنگ شب و روز تافرمانی میکنند.

واز ایشان گروهی است که به سبک شمردن و خرد شمردن گاهان دچار شده اند؛ پس می بینی یکی از ایشان را که بعض گاهان خرد و انگشت را در نفس خود حقیر و ناچیز می پندارد ، و میگوید - مثلاً - : یکبار نظر کردن وبا دست زدن زن اجنبی^(۱) چه نقص و ضرر دارد؟!

وقشهای خویش را در هنگام دیدن عکسهای حرام و ناروا در مجله ها و فیلمها به این چنین سخنها تسلی میدهند . به اندازه ای که بعض ایشان آگر حرام بودن کدام مساله ای را بداند (از روی استخفاف و تاہروانی) میپرسد که در آن چند و چقدر گناه است؟! آیا گناه خرد است یا بزرگ؟!

پس وقتیکه این واقع حاصل شده را دیدی و دانستی - میان آن و میان این دو اثر آینده - که از صحیح امام بخاری رحمه الله نقل نمودم - مقارنه و برابری کن تا فرق بین هردو برایت هویدا گردد:

^(۱) بجز محارم، مردان بیگله را احتجب گویند. (مؤلف).

حرام : هرآن مرد را گویند که برای او نکاح آن زن هرگز روا نباشد ، نه در حال و نه در مل؛ بسب نسب مثل : پدر، و پدران پدر، و پدران مادر، و پسر، و پسران پسر، و پسران مختار، و پدران براذر، و پسران خواهر، و کاکا (صویه: براذر پدر) و ملما (براذر مادر). و با بسب رضاعه (شیرخوری) مثل : پدر و پسر و پدران و کاکا و ملما شیرخوری . و هرگه بسب نسب حرم امت بسبب رضاعه نیز حرم می پاشد. و با بسبب مصاهره (با کسی خویشی گردن به زن دادن و یا زن گرفتن) مثل : خصور (پدر شوهر) و پسران شوهر از زن دیگر. و غیر ازینها همه احتجب اند ، و بیلد ایشان حجب کند ، وبا ایشان خلوت نفیشند ، و یکجا سفر نکند. « مترجم ».

- (۱) از حضرت انس رض روایت است که فرمود: "إنكم لتعلمون أعمالاً هي أدق في أعينكم من الشعر، كما ندعا على عهد رسول الله ﷺ من الموقات". یعنی: { به تحقیق شما کارهایی را انجام میدهید که آن در نظر شما باریکتر از موی میباشد }^(۱)، که ما آنرا در زمان رسول الله ﷺ از کاهان موقات می‌شمردیم }. موقات: یعنی کاهان بزرگ و هلاک کننده.
- (۲) از حضرت عبد الله بن مسعود رض روایت است که فرمود: "إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرِي ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ قَاعِدٌ تَحْتَ جَبَلٍ يَخَافُ أَنْ يَقُعَ عَلَيْهِ، وَإِنَّ الْفَاجِرَ يَرِي ذَنْبَهُ كَذَبَابٍ مَرَّ عَلَى أَنَّهُ فَقَالَ بِهِ هَكَذا - أَيْ بِهِ - فَذَبَّبَهُ عَنْهُ ". یعنی: { به تحقیق که مومن کاهان خود را مانند کوه بالای سرخ می‌بیند ، میترسد که بر روی به افتاد . واما فاجر کاهان خویش را مانند مکسی می‌بیند که بر بینی اش مرور میکند ، و او را بدست خود دور میسازد } . (یعنی: آنرا بسیار حقیر و تاچیز می‌کارد)

آیا این گروهی ناپروا - حالا - اندازه خطورت این کار را احساس میکنند چون این حدیث شریف را مخوانند: "إِنَّكُمْ وَمَنْعِلَاتُ الذُّنُوبِ، فَإِنَّمَا مِثْلُ مَعْنَاطِ الذُّنُوبِ كَثُلُّ قَوْمٍ نَزَلُوا بِطْلُونَ وَادِّ، فَجَاءَ ذَا بَعُودَ، وَجَاءَ ذَا بَعُودَ، حَتَّىٰ حَلَوَا مَا أَنْصَبُوا بِهِ خَبْزَهُمْ، وَلَنْ مَعْنَاطِ الذُّنُوبِ مَنِ يَؤْخُذُ بِهَا صَاحِبُهَا تَهْلِكَهُ ".

یعنی: { با حذر باشید از کاهان سبک شمرده شده ، که مثال آن گونه کاهان مثالی قومی است که در میان وادیی^(۲) پائین شدند ، و هریک از ایشان در طلب هیزم برآمد ، پس یکی یک شاخه آورد ، و دیگری یک شاخه ، تا بدین طریقه شاخه های زیادی از چوب

(۱) بسطی: تا لین اندازه اورا سبک می‌شمارید . « مترجم » .

(۲) یعنی: نزهه ، و گلستانگی میان دو کوه . نگاه: فرهنگ عرب . « مترجم » .

جمع نمودند و ازان آتشی در دادند ، و طعام خوش را پخته کردند . و هرگاه کسی بین چنین کماهانیکه اورا سبک واندک ونا چیز می پندارد _ گرفته شود (محاسبه شود) هلاک خواهد شد } .

و در روایت دیگری چنین آمده : " لِيَأْكُمْ وَمُحَقِّرَاتُ الذُّنُوبِ ؛ فَإِنَّهُنَّ يَجْتَعِنُ عَلَى الرَّجُلِ حَتَّى يَهْلِكُهُ " . ^(۱) یعنی : { با حذر باشید از کماهان حقیر شمرده شده ؛ زیرا این چنین کماهان با هم یکجا شده انسان را به هلاکت میرساند } .

وعلما - رحمة الله - یاد نموده اند که کامی با کاه خرد بی حیاتی و بی روایتی یکجا شده آن کاه خرد را ضمن کماهان کیره، بلکه در عین مرتبه آن میرساند، ازینجا گفته اند : " لا صغيرة مع الإصرار ، ولا كبيرة مع الاستغفار " .

یعنی : { کاه خرد در حال اصرار ورزیدن به آن وادامه دادن خرد نمی ماند ، بلکه کاه بزرگ میگردد ، و در مقابل کاه بزرگ در حال استغفار کردن (آمرزش خواستن) بزرگ نمی ماند ، بلکه بفضل استغفار بخشیده میشود } .

و برای این گونه مردم - که راجع به کماهان خرد نایروانی میگذند - میگوئیم که : به طرف خردی کاه نگاه نکن، ولیکن به طرف آن ذاتی نگاه کن که تو او را نافرمانی کرده ای .

^(۱) روایت اسلم احمد رحمة الله . نگاه : صحيح الجامع رقم (۲۶۸۶ و ۲۶۸۷) .

واین چند سخنی است که - این شاء الله - ازان بندگان راستین استفاده و پنهان گیرند، آنانکه احسان گاه و کوتاهی میکنند، نه کسانیکه هروای گاه را ندارند، و در گراحتی باطل خویش بازند و محکم آند.

این سخن برای کسی است که ایمان دارد بقول الله تعالی: «تَبَّعْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» «سوره حجر آیت: ۴۹» ترجمه: {خبر ده بندگانم را که من از حد زیاد آمرزند و پنهانم} . و در عین حال ایمان دارد بقول او تعالی: «وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» «سوره حجر آیت: ۵۰» ترجمه: {و خبر ده ایشان را که عذاب من همان عذاب دردناک است} .

شروط و مکملات توبه

کلمه توبه خیلی کلمه بزرگی است ، که از خود خیلی مدلولهای عمیقی دارد ، نه چنانکه بسیار مردم گفان می‌کنند ، که او لطفهای است بزبان گفته می‌شود ، باز بر گاه دوام داده می‌شود .^(۱)

درین آیت مبارکه تأمل نما : « وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبِّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ » سورة هود آیت: ۳۲
ترجمه : { طلب مغفرت و آمرزش کنید از پروردگار خویش ، باز بسوی او توبه نمایید } .
دیدی که توبه چیزی بوده زیادتر از استغفار .^(۲)

و چون هر امر بزرگی از خود شرطها میداشته باشد _ علمای کرام - رحمت الله علیهم - برای توبه درست بعض شرطها یاد کرده اند ، که آن شرطها را از آیات قرآن کریم و از احادیث پیغمبر ﷺ استنباط نموده اند ، بعض آن شرطها را برایشان قرار ذیل بیان می‌کنیم :

- ۱- از گاه فروز باز ایستادن ، و دست برداشتن .
- ۲- بر گاه گذشته ندامت و اظهار پشیمانی کردن .
- ۳- تصحیم حکم گرفتن بر آن که بار دیگر با آن گاه باز نگردد .

(۱) یعنی : تنها (استغفار الله) و یا (توبه کرم) گفتن کافی نمی‌کند تا از گاه ندست نه بردارد ، و گونه روشنخندی می‌باشد ، چنانچه شاعر می‌گوید :

سبحه بر ندست ، توبه بر لب ، دل بر از ذوق گاه مصیبت را خنده می‌آیدز استغفار ما متترجم .
(۲) یعنی : توبه تنها استغفار الله گفتن نیست ، بل که اضلاعه بران پشیمانی است بر گاه گذشته ، و ترک گاه حالی ، و عزم محکم بر آنکه در آینده با آن گاه باز نگردد . متترجم .

۴- حقوق مردم را که ظلم کرده است بازگردانیدن ، وبا ازیشان طلب عفو و مخفش خواستن .^(۱)

بعض علماء برای شروط توبه درست تفصیلات دیگری را یاد نمودند ، که آن تفصیلات را با بعض مثالها درینجا یاد میکنیم :

اول : باید گاه را خاص از برای خداوند ~~پلک~~ ترک کند نه از برای چیزی دیگری ، مثیلکه آن گاه را بسبب ناتوانی ، وبا ترس از ملامت کردن مردم _ ترک کند ، نه از برای خدا .

پس تایب نامیده نمی شود کسی که گاه را از برای اینکه در جاه و سمعتش میان مردم تاثیر نکند ، وبا از کار و وظیفه اش دور کرده شود _ ترک می کند .

وپیز تایب گفته نمی شود کسی که از برای محافظت و نگهبانی صحت و قوت خود گاهان را ترک میکند . مانند شخصی که زنا وبا فاحشه را از ترس مرضهای مرگ آور وساري ، وبا از ترس اینکه جسم و ذهن وی را ضعیف نسازد _ ترک میکند .
وهمچنان تایب نامیده نمی شود کسی که دزدی را ترک نموده بعلت اینکه راه درامدن خانه را نیافته ، وبا اینکه طریقه بازگردن خزینه را ندانسته ، وبا اینکه از پیره گاه ویاسیان آنجهت ترسیده است .

وپاین ترتیب تایب نامیده نمی شود کسی که از رشوت کیری خود داری نموده از ترس اینکه شخص رشوت دهنده - ناگهان - از هیئت مكافحت (از بین بردن) رشوت نباشد .

(۱) در حالیکه گاه بحقوق مردم تعاق داشته باشد . « مترجم » .

و همچنان تایب گفته نمی شود کسی که شراب نوشی ، و جرس و تریاک را ترک کرده ، از جهت اینکه او مغلس و نادار است .^(۱)

و این چنین تایب نامیده نمی شود کسی که از فعل گاه عاجز مانده ، بسبب چیزی که خارج از اراده اش باشد . مانند: دروغگویی که زیاش فلنج شده واز سخنگوئی عاجز مانده است ، ویا زناکار که قدرت زنا کردن را از دست داده است ، ویا دزد که بسبب کدام حادثه دستش تلف شده است . (این همه تایب نامیده نمیشوند) بلکه بر همه ایشان لازم است ^(۲) که اظهار پیشمانی کنند (بر گاه گذشته) ، و عنای معصیت نکنند (در آینده) ، و بر گاه که فعل آن برایشان میسر نشده افسوس نکنند . و برای این گونه مردم پیغامبر خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرموده است که : " اللهم توبة "^(۳) . یعنی : { ندامتی و پیشمانی بر گاه گذشته توبه به شمار می رود } .

و خداوند صلوات الله علیه و آله و سلم شخص عاجز را که بزبان عنای معصیت میگرد بمنزلت کسی گردانیده است که آن معصیت را مرتکب شده است ، آیا نمیدانی که پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم چه فرموده است ؟ فرموده است که : " إِنَّ الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةِ نَفَرٍ ، عَبْدَ رِزْقَهُ اللَّهُ مَالًا وَعِلْمًا فَهُوَ يَتَقَبَّلُهُ فِيهِ رَبِّهِ ، وَيُصْلِلُ فِيهِ رَحْمَهُ ، وَيَعْلَمُ اللَّهُ فِيهِ حَقًّا ، فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَأْزَلِ . وَعَبْدَ رِزْقَهُ اللَّهُ عِلْمًا وَلَمْ يَرِزِّقْهُ مَالًا ، فَهُوَ صَادِقُ الدِّيَةِ ، يَقُولُ : لَوْ أَنِّي مَالًا لَعَمِلتُ بِعَمَلٍ فَلَمَّا ، فَهُوَ بَيْتِهِ ، فَأَجْرَهُ مَا سَوَاءً . وَعَبْدَ رِزْقَهُ اللَّهُ مَالًا وَلَمْ يَرِزِّقْهُ عِلْمًا ، يَعْبَطُ فِي مَالِهِ بِعِرْدٍ ، وَلَا يَتَقَبَّلُ فِيهِ رَبِّهِ ، وَلَا

^(۱) یعنی قیمت آن را ندارد تا اورا بخرد . « مترجم » .

^(۲) تا لقب تایب را کمالی کنند . « مترجم » .

^(۳) روایت امام احمد و ابن ماجه . نکاه : صحیح الجامع رقم (۴۸۰۲) .

يصل فیه رحمة ، ولا يعلم الله فيه حقاً ، فهذا يأخذ المتأذل . وعبد لم يرزقه الله مالاً ولا علماً فهو يقول : لو أن لي مالاً عملت فيه بعمل فلان ، فهو بيته ، فوزرها سواء .^(۱)

علماً فهو يقول : لو أن لي مالاً عملت فيه بعمل فلان ، فهو بيته ، فوزرها سواء .^(۱)

ترجمه : { دنیا برای چهار نفر است : یکی : بنده ای که او را خداوند عزیز مال و علم
 بخشیده ، پس او در باره مال خود از خدا میترسد ، وقسط آن مال صله رحمی میکند ،
 وبرای خداوند عزیز دران مال حق قابل است^(۲) ، این شخص در بهترین و بلندترین منزلتها
 قرار دارد . دوم : بنده ای که او را خداوند عزیز علم بخشیده ولی مال نداده ، پس او نیت
 درست دارد ، میگوید : اگر من مال من داشتم همانند فلانی عمل خواهم کرد (مانند
 شخص اول) ، این شخص طبق نیش جزا داده میشود ، پس اجر هردو بیشان برابر
 میباشد . سوم : بنده ای که خداوند عزیز او را مال بخشیده ولی علم نصیب نکرده است ،
 پس او در مال خود بدون علم و به پراهمی تصرف میکند ، ودر باره آن از خدا نی ترسد ،
 وصله رحمی نمیکند ، ودر آن برای خداوند عزیز هیچ حقی قابل نی باشد ، این شخص بر
 بدترین وخیثت ترین منزلتها قرار دارد . چهارم : بنده ای که خداوند عزیز اورانه مال
 بخشیده و به علم داده ، پس او میگوید : اگر مال داشته باشم همانند فلانی عمل خواهم
 کرد (مانند شخص سوم) ، این شخص را طبق نیش جزا داده میشود ، پس گاه
 هردو بیشان برابر میباشد } .

(۱) روایت اسلم احمد وترمذی ولو راصحیع گفته است . نگاه : صحيح الترغیب والترہیب ۹/۱

(۲) یعنی : زکلت مودعه . « مترجم » .

دوم : باید بدی و ضرر گاه را احساس کند ، و معتقد باشد . باین معنی که : توبه صحیحه و درست تقاضای این را دارد که بنده هنگام دریاد آوردن گاهه گذشته ، و یا تنفس نمودن بازگشت بر آن گاهه در آینده ... احساس لذت و خوشی نکند^(۱) .

امام ابن القیم - رحمه الله - در دو کتاب خود : " الداء والدواء " و " الفوائد " ضررهاي زیادي برای گاهه باد نموده ، ازان جمله :

از علم محروم شدن ، احساس ترس و تنهائی در دل ، مشکل تمام شدن کارها ، ضعف و کمزوری در بدن ، از طاعت محروم شدن ، برکت را از بین بردن ، کم توفیقی ، سینه نگی ، از یک گاهه دیگر کاهان بوجود آمدن ، عادت گرفتن کاهان ، بی قدری و بی قیمتی کهکسار پیش خداوند^(۲) و پیش مردم ، لعنتگویی چهار ریاض مراورا ، لباس خواری و ذلت پوشانیدن ، بر دل مهر نهادن ، زیر لعنت داخل گردیدن ، تا پذیرفتن دعا ، فساد و تباہی در بیان و دریاباها ، تابود شدن غیرت (بی ناموسی) ، از بین رفقن حیاء و عفت ، زایل گردیدن نعمتها ، پائین آمدن عقوبها ، ترس و هراس در دل گهکار ، در اسارت (دستگیری) شیطان افتدن ، بخاتمه بد مبتلا شدن ، عذاب آخرت را مستحق شدن .

شناختن بنده این گونه ضررها را - که گاهه در بی دارد - برایش باعث میگردد که از تمام کاهان بکلیت باز ایستد و دور شود ؛ زیرا برخی از مردم کامی از یک گاهه دور شده به گاهه دیگر انتقال میکند ، باعث بعض اسباب ، که ازان جمله :

۱- گمان میکند که گاهه اخیر از گاهه اول کمتر و سبک تر است .

(۱) واگر نه در توبه خوبی راستگو نباشد ، زیرا بنده ای که در توبه خود رامت میگوید در هنگام در بی آمدن گناه احساس نرد و لندوه و پیشیانی میکند . مترجم .

- ۲- به خاطریکه نفس او بگناه دوم زیادتر میل دارد ، وشهوت و خواهش او جهت آن قوی تر است .
- ۳- به خاطریکه اسباب گاه دوم میسرتر است نسبت بگناهان دیگر که تهیه و تیاری گرفتن بکار دارد ، و اسباب او تا هنوز مهیا و میسر شده .
- ۴- به خاطریکه رفیقان و همینشیان او بر آن گاه مقیم اند ، ویر او مشکل است که آنها را ترک کند و ازیشان خود را جدا سازد .
- ۵- گاه بعض گناهان انسان گهگار را میان یار و اصحابش^(۱) جاه و مکانت می بخشد ، هس او نمی خواهد که این مقام و منزلت را از دست دهد ، و از باعث آن برگاه خود دوام میدهد ، طوریکه بعض سران گروههای شر و فساد درین گونه مصیبت دچار اند .
- مثل ابو نواس - شاعر بیباک - که ابو عتابیه - شاعر واعظ - هنگام که نصیحتش کرد ، ویر بیباکی و بی پرواپی اش در باره گناهان ملامتش کرد ، هس او در جواب ابو عتابیه این اپیات را گفت :

أثرياني يا عتابي تاركاً تلك الملاهي

أثرياني مفسداً بالدمسك عدد القوم جامي

بعنی میگوید : ای ابو عتابیه ! ایا کمان میکنی که من این بیباکی خود را ترک میکنم ؟ ! ویا بسبب عبادت و پرهیزکاری جاه و مقام را پیش مردم^(۲) باخت میدهم ؟ ! نه خیر ، این کار را نمیکنم .

(۱) که مثل خودش گهگلانند . « مترجم ». (۲) مردم پست و بیباک ملند خونش . « مترجم ».

سوم : باید بنده به توبه کردن بشتابد ، و مبادرت ورزد ؛ زیرا تاخیر نمودن توبه خودش در ذات خود یک گاهی است که حاجت بتویه کردن دارد .

چهارم : باید از ناقص بودن توبه اش در ترس باشد ، و حزن نکند که حتماً توبه وی قبول است ، تا مباداً با آن سبب تکبه بر نفس خویش نموده ، و از مکر خدا^(۱) در این باشد .

پنجم : اگر چیزی از حق خداوند را پیش از توبه کردن ادا نکرده باشد ، و ادا کردن آن برایش ممکن باشد ، باید آنرا ادا کند .

مثل زکات ، اگر در حال معصیت زکات نداده باشد ، باید بعد از توبه آن زکات را ادا کند^(۲)؛ چرا که زکات علاوه از نیکه حق خداوند است فقیران نیز در او حق دارند .

ششم : از جای معصیت خود را دور سازد ، اگر وجود او در انجا او را دویاره در معصیت دچار میکرده باشد .

هفتم : باید از کسیکه او را در فعل معصیت کمک کرده است دور شود ، و جدا گردد .

(۱) مکر خدا : رسالتین عقوبت و عذاب به بنده بطور یکه او گملن نکند . « مترجم » .
 (۲) این حکم در حق کمی است که معصیت او کفر و یا شرک نیایند ؛ زیرا کافر و یا مشرک اگر توبه کند بر او لازم نیست که چیزی از احکام اسلام را که در حال کفر ترک نموده بود _ قضاء کند . « مترجم » .

واین مساله و مساله‌ای که پیش ازین بود هردو از حدیث قاتل صد فرج کرفته شده، که آن حدیث را در آینده ذکر کرده میشود.

و خدای ﷺ میفرماید: «الْأَخْلَاءِ يُؤْمَنُ بِعِصْمِهِمْ لِبَعْضِ عَدُوِّ إِلَّا الْمُتَعَنِّ» «سوره زخرف آیت: ۶۷» یعنی: {دوستان در روز قیامت بعض ایشان با بعض دشمن میباشند مگر برهیز کاران}.

و در روز قیامت رفیقان و همتشیبان بد یکدیگر را لعنت میکنند، واژین جهت بر تو لازم است - ای بندۀ توبه کننده - که از چنین همتشیبان بد دور شوی، و علاقه خود را از ایشان ببریده، و دیگران را از دوستی و همتشیبی با ایشان بر حذر نمایی، در حالیکه ایشان را دعوت و نصیحت نمی توانی کرد.

و با حذر باش که شیطان ترا به بهانه دعوت و نصیحت آنها بار دیگر با آنها آشنا نسازد، وقتیکه خودت میدانی که ضعیف هستی و با ایشان مقاومت کرده نمیتوانی (دعوت آنها را برای کسی دیگری بگذار، و خودت احتیاط کن) ^(۱)

و در ساحه حالات زیادی ثابت میسازد که اشخاص زیادی بعد از توبه کردن بار دیگر بعصیت باز گردیدند، و آن سبب دوباره علاقه گرفتن با همتشیبان قدیم خویش.

هشتم: باید وسائل گاه، و محمرات را که نزدش وجود دارد اتفاق کند و تابودش بسازد^(۲)،
مانند: مسکرات (شراب وغیره)، و آلات طهو مثل: طنبوره و نای، و با عکسها و فیلمهای

(۱) جیارت که میان دو قوم است از اضلاع مترجم میباشد برای توضیح جمله. «متترجم».

(۲) تا باعث پلز گردیدن او بگاهه نشود. «متترجم».

تاروا ، و قصه های بیباکی ، و متعالها ، (وغیره) . این همه را باید بشکند و اتلافش کند و یا بسوزانش .

پس بنده توبه کننده باید همه لباسهای جاهلیت و کهگواری را در درگاه استقامت کشیده بافگند^(۱) ، و این کار را باید بکند .

ودر زمینه چندین قصه ها است از اشخاصی که توبه کرده بودند ولی این محترمات را از نزد خود دور نگردند ، پس باعث و سبب بازگشت ورجه ایشان از توبه ، و گمراحتی ایشان بعد از هدایت گردید .

از خداوند ثبات واستقامت را سوال داریم .

فهم : باید برای همنشینی خود رفیقان نیکوکاران را اختیار کند ، که اورا بر کارهای نیک کمک کنند ، و برای او عوض همنشینیان بد همنشین شوند .

و باید در مجلسهای علم و ذکر حاضر شود ، و وقتهای خویش را بکارهای فایده مند پر سازد ؛ تا شیطان نزد او هیچ وقت فراغ نیابد که اورا بگذشته ها یاد آور سازد .

دهم : باید تن و بدن خویش را که در حرام آلوه ساخته ، و بخوراک حرام تغذیه داده بود در طاعت و عبادت خدا حَلَّة مصروفش بگرداند ، و نان و خوراک خویش را حلال گرداند تا برایش گشت خوب بروید .

^(۱) مراد از استقامت : راست شدن و بایند بودن بین ، و مراد از افگندن : انداختن است . « مترجم » .

بازدهم : توبه باید پیش از رسیدن جان بغرغره ، و پیش از نیکه آفتاب از مغرب باید بوقوع آید ، (و گرنه قبول نمی شود) .

و غرغره : آوازیست که وقت جان کشدن از حلق پیرون می آید .

ومقصود اینکه : باید توبه پیش از قیامت صغری (مرگ) و پیش از قیامت کبری (روز قیامت) صورت بگیرد ، (تا قبول شود) بدلیل این حدیث : " من تاب إلى الله قبل أن ينفرغ قبل الله منه " .^(۱) یعنی : { هر که پیش از رسیدن جان بغرغره بسوی خدا عزوجل رجوع نماید و توبه کند خداوند توبه اورا قبول میفرماید } .

و در حدیث دیگری چنین آمده : " من تاب قبل أن تطلع الشمس من مغربها تاب الله عليه " .^(۲) یعنی : { هر که پیش از نیکه آفتاب از مغربش برايد توبه کند خداوند توبه اورا می پذیرد } .

(۱) روایت امام احمد و ترمذی . نگاه : صحیح الجامع رقم (۴۱۳۶) .

(۲) روایت امام مسلم : کتاب الذکر بباب استحباب الاستغفار رقم (۲۸۰۱) .

توبه بزرگ

اینجا یک نمونه از توبه و عیل اول این امت صحابه رسول خدا ﷺ را یاد می‌غاییم : از حضرت بریده ﷺ روایت است که : ماعز بن مالک اسلی پیش رسول الله ﷺ آمده و فرمود : یا رسول الله من بر نفس خود ظلم نموده و در زنا واقع شدم ، و میخواهم که مرا ازین گاه پاک سازید . آنحضرت ﷺ اورا بازگردانید . هس چون فردا شد باز بخدمت آنحضرت ﷺ آمده و فرمود : ای پیغمبر خدا من واقعاً زنا کردم . بار دیگر آنحضرت ﷺ او را بازگردانید . سهس پیغمبر خدا ﷺ بسوی قوم او کسی را فرستادند ، واژیشان پرسیدند : آیا در عقل او کدام عیبی را میدانید ؟ آیا از تصرف او چیزی انکار دارید ؟ . گفتند : قرار که ما میدانیم او دارای عقل کامل و سالم است ، و یکی از نیکوکاران ما بشمار میرود .

روز سوم باز پیش رسول خدا ﷺ آمده و گفته خود را عرض نمود . آنحضرت ﷺ بار دیگر بسوی قوم او نظر فرستاده واژ حال او پرسید ، قوم او در جواب گفتند : ما نه در ذات او ، و نه در عقل او هیچ کدام عیبی را نمی دانیم .

بار چهارم که پیش رسول خدا ﷺ آمد ، امر فرمودند برایش یک چاله (چقری) گذده شد ، سهس صحابه کرام را امر فرمود او را سنگسار کردند .

حضرت بریده ﷺ میفرماید : هس ازان زنی که بخانم دیه یاد نمیشد نزد رسول خدا ﷺ آمده و گفت : یا رسول الله ! من زنا کردم ، مرا ازین گاه پاک ساز .



حضرت ﷺ این زن را نیز بازگردانید . فردا باز پیش رسول خدا ﷺ آمده و گفت : ای رسول خدا ! چرا مرا باز میگردانید ؟ شاید میخواسته باشید مرا مانند ماعز بازگردانید تا از حال من بپرسید ؟ مجذداً قسم که من از اثر زنا حامله دار هستم .

حضرت ﷺ فرمودند : حالا تو را چیزی نخواهم کرد ، تا آنکه که آنچه در رحم داری تولد شود . هس ناچار آن زن رفته ، و وقتیکه کودکش تولد شد ، در یک کالا اورا پیچانده مجذمت پیغمبر خدا ﷺ آمده و گفت : اینک اورا ولادت نمودم . جنابشان فرمودند : برو این کوک را شیر بده تا از شیر جدا شود . آن زن رفته و او را شیرداد ، و وقتیکه از شیر جدا شد ، در دستش یک هاره نان داده و پیش رسول خدا ﷺ آورد ، و گفت : یا رسول الله ! اینک اورا شیر دادم تا از شیر جدا شد ، و حالا نان میخورد .

جناب پیغامبر خدا ﷺ آن کوک را برای یک مرد از مسلمانان سهارید ، و بعد ازان امر فرمود تا برای آن زن به اندازه سینه اش چاله کندند ، و مردم را امر کرد او را سنگسار کرددند .

حضرت خالد بن الولید ﷺ بر سر آن زن یک سنگ زد ، خون آن بر روی حضرت خالد پاش شد ، هس حضرت خالد او را دشتمان داد ، رسول خدا ﷺ دشتمان او را شنید ، برایش گفت : "مهلا يا خالد ! قوله ذي نفسی پدیده قد ثابت توبه لو تابها صاحب مکن لغفرله ".^(۱) یعنی : { ای خالد ! صبر کن . قسم بذاتیکه جانم بدست اوست ، این زن

(۱) روایت امام مسلم در صحیحش کتاب حدود بباب من اعترف علی نفسه بالازنا شماره حدیث (۴۴۰۷).

میتوهم توبه کنم ولیکن ...!!

چنان توبه نموده است که اگر باج گیر^(۱) آن چنان توبه کند گناهش بخشیده خواهد شد}. هس ازان امر کردند بر جنائز آن زن نماز جنائز خواندند ، و دفنش کردند . و در بعض روایات آمده که حضرت عمر رض گفتند : یا رسول الله! او را سنگسار کردید باز بر او نماز جنائز هم میخوانید؟ فرمودند : "لقد ثابت توبه لو قسمت علی سبعین من أهل المدينة وص��هم، وهل وجدت شيئاً أفضل من أن جادت بنفسها الله عز جل".^(۲) یعنی : {البته این زن چنان توبه نموده است که اگر توبه ویرا میان هفتاد تن از اهل مدینه بخش کرده شود همه ایشان را بخوبی کلایت میکند ، آیا ازین هم چیزی بهتر خواهد یافت که نفس خود را برای خدا عز جل ارزانی نموده است .. ؟ ! }

(۱) باج گیر : کسی است که از مردم باج (صریبیه) میگیرد ، صاحب فرهنگ صمید در تعریف باج چنین گفته است : باج - یا باز : خراج ، مالیات ، عوارض ، آنچه که در قدم پادشاهان بزرگ از پادشاهان مظلوب و زیر دست خود میگرفتند ، پولی که راهداران از مسافران بگیرند ، (وینز) یعنی پولی که بزور از کسی گرفته شود _ میگیرند . مترجم .

(۲) روایت امام عبد الرزاق در مصنف خویش ۳۲۵/۷ . گفتم (مترجم) : اصل این روایت نیز در صحیح امام مسلم به شماره (۴۰۸) وارد شده است .

توبه کاهان گذشته را محو و آک میسازد

شاید کسی بگوید: من میخواهم توبه کنم ، ولیکن چه چیز برایم مغفرت خداوند را
ضامن میشود آگر من توبه کم ؟

ومن دوست دارم که در راه استقامت راه روم ، ولیکن در داخلم احساس تردد
میکنم ، و آگر من بدرستی بدام که خداوند **نه** مرا می آمرزد البته توبه خواهم کرد .
برای این شخص میگوییم : آنچه تو در نفس خویش احساس میکنی ، آنرا نیز برخی از
مردم که پیش از تو بودند - از صحابة رسول الله ﷺ - احساس نمودند . و آگر درین دو
روایت با یقین تأمل نمائی ، آنچه در نفس داری - إن شاء الله - دور خواهد شد :

* روایت اول : امام مسلم - رحمت الله عليه - قصه مسلمان شدن حضرت عمر بن
ال العاص **ره** را روایت نموده است ، و در قصه وی آمده است که : عمر بن العاص **ره**
فرمودند : زمانیکه خدای **نه** محبت دین اسلام را در دلم جای داد بخدمت پیغمبر خدا **ره**
آمده و برایش گفت : دست مبارک تان را پیش کنید تا شما را مبایست کنم .
آنحضرت **ره** دست مبارکشان را پیش کردند ، من دست خود را پس کشیدم ،
جنابشان فرمودند : چه شد ترا ای عصرو ؟ ! . گفتم : خواستم که - پیش از مسلمان
شدن - شرط بگذارم . فرمودند : چه شرط خواهی گذارید ؟ . گفتم : آنکه الله تعالی مرا
پیامزد . فرمودند : "أَمَا حَلَّتْ - يَا عَصْرُو - أَنَّ الْإِسْلَامَ يَهْدِ مَا كَانَ قَبْلَهُ ، وَأَنَّ الْمَجْرَةَ

نهدم ما کان قبلها ، وآن الحج یهدم ما کان قبله ^(۱) . یعنی : { ای عمرو .. آیا نمیدانی که دین اسلام گاهان ما قبلش را یا ک میسازد ؟ و هجرت گاهان پیشین را محو میسازد ؟ وحچ بدیهای گذشته را نابود میسازد ؟ } .

* روایت دوم : امام مسلم - رحمت الله عليه - از حضرت ابن عباس - رضی الله عنهم - روایت نموده است : که یک گروه از مشرکین که از حد زیاد قتل وزنا کرده بودند ، بخدمت پیغامبر خدا صلوات الله علیه و آله و سلم آمده و گفتند : آنچه میگویند ویسوی او دعوت میکنید خیلی چیزی خوب و مستبدیه است ، مگر مارا خبر ده که آنچه ما عمل نمودیم (از گاهان و بدیها) از خود کاره ^(۲) دارد یا نه ؟ .

خدای عز و جل در جواب ایشان این آیت مبارکه را نازل فرمود : ﴿ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ بِعْدَ اللَّهِ إِلَيْهِ أَخْرَى وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْفُنُونَ وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَاماً ﴾ ^(۳) *

پیاضعف له العذاب يوم القيمة ويختلف فيه مهاناً * إلا من تاب وآمن وعمل عملاً صالحًا فاؤلك يبدل الله سينائهم حسنات وكان الله غفوراً رحيمًا ﴾ « سورة فرقان آیت: ۷۰ تا ۷۸ » .

ترجمه : { و بندگان راستین خدا صلوات الله علیه کسانی اند که با خداوند عز و جل کشن آن را حرام گردانیده نمی کشند مگر عبادت نمیکنند ، و قسی را که خداوند صلوات الله علیه کشن آن را حرام گردانیده نمی کشند مگر برای حق ، وزنا نمیکنند . و اگر کسی مرتکب این گونه گاهان شود بعقوبت سختی برخورد ، که روز قیامت برای او عذاب را دوچند کرده شود ، و دران عذاب همیشه خوار

(۱) نگاه : صحیح امام مسلم کتاب ایمان بایک کون الاسلام یهدم ما قبله شماره حدیث (۳۱۷).

(۲) کاره : آنچه گاهه را پاک نماید . « مترجم » .

(۳) در روایت در ذکر آیت تا اینجا اتفاق نموده ، ولی من باقی آیت را تکمیل نمودم تا مقصود هریدا گردد . « مترجم » .

و رسوا بماند ، مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل شائسته کنند پس خدای ﷺ بدیهای ایشان را محبوبیها مبدل می‌سازد ، و خداوند آمرزند و مهربان است } .

و این آیت مبارکه را نیز نازل نمود : « قل يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا ينتظروا من رحمة الله إن الله يغفر الذنوب جميعاً إنه هو الغفور الرحيم » ^(۱) سورة زمر آیت : ۵۳ .

یعنی : { ای پیغمبر ﷺ از طرف من برای بندگان بگو : ای بندگان من .. ای کسانی که بر نقصهای خویش اسراف نمودید - یعنی از حد زیاد گاه کارده اید - از رحمت خدا ﷺ نا امید نشوید ، به تحقیق خداوند همه گاهان را من آمرزد ^(۲) ، به تحقیق خداوند نهایت آمرزکار و مهربان است } .

(۱) فنگاه صحیح امام مسلم کتاب ایمان باب فی قوله تعالیٰ: (والذين لا يدعون مع الله [الها آخر] شماره حدیث (۳۱۸)).
 (۲) بشمول کفر و شرک و نفاق ، برای کسانی که پیش از مرگ توبه کند ، واما آیت (إن الله لا يغفر أن يشرك به) وعنه : خداوند هیچ گونه شرک اوری را نمی آمرزد . پس مراد از آن کسی است که توبه ناکرده و مشرک مرده است . « مترجم . »

آما خداوند مرا می آموزد ... ؟!

وشاید بگویی : من میخواهم توبه کنم ولیکن گاهانم از حد زیاد است ، وهیچ نوع از بدیها و فاحشات را نگذاشتم مگر اینکه او را مرتکب شدم ، وهیچ گاهی نیست که در خیالت میآید ویا نمی آید مگر اینکه اورا من کرده ام ، به اندازه ای که حالا نمیدانم آما خداوند ~~نه~~ برایم آن گاهان را که در طول آن سالهای دور و دراز مرتکب شده بودم — می آموزد یا نی ... ؟!

در جواب برایت میگوییم : ای برادر مهریانم ... مشکلی را که عرض نمودی مشکل تو تنها نیست ، بلکه او مشکل بسیاری از مردم است که میخواهند توبه کنند ، و درین باره یک مثال در یام میآید ، که یکبار یکی از جوانان می پرسید که : او از خُردی در فعل معصیت آغاز نموده است ، فقط بهنگام هفده سالگی او را یک سجل نامه خیلی بزرگ بر از همه بدیهای خُرد و بزرگ و رنگارنگ ثبت گردیده ، که آن بدیها را با مردمان مختلف از خُرdsالان و کلان سالان گمارست غوده ، اندازه ای که بر یک دخترک خُرد اعتدال نموده ، و چندین دزدیها کرده است ، و میگوید : حالا من توبه کردم ، و بسوی خداوند رجوع نمودم ، و بعض شبها بیدار شده نماز میخوانم ، و هر دو شبیه و بخششیه روزه میگیرم ، و بعد از نماز بامداد قرآن تلاوت میکنم ، آما توبه من درست میگردد ؟

مبدأً وعقیدة ما مسلمانان چنین است که در طلب فهمیدن احکام ، وکشادن مشکلات ، و داشتن علاجها — باید رجوع بکاب خدا علیه السلام وست مصطفی علیه السلام بکیم .

پس ما هنگامیکه در قرآن کریم بحث نمودیم جواب این مشکله را - بطور سیار واضح و روشن که حاجت به توضیح و بیان ندارد - در این آیت مبارکه دریافتیم : « قل يا عبادی الذين أسرفوا على أفسهم لا متنعوا من رحمة الله إن الله يغفر الذنبов جميعاً إنه هو الغفور الرحيم * وأنبِّوا إلی ربکم وأسلموا له . . ». »سورة زمر آیت ۵۴^(۱) .

اما این را احساس نمودن که گاه او بسیار زیاد است ، به اندازه ای که از حدود مغفرت خدا پیرون است . پس باعث این احساس چند سبب میباشد :

یکی : یقین نداشتن بنده به رحمت وسیع وی نهایت خداوند ﷺ .

دوم : ناقص بودن ایمان بنده بقدرت و توانائی خداوند ﷺ بر آمرزیدن همه گاهان .

سوم : ضعیف بودن یکی از مهمترین اعمال قلب که او عبارت از رجا (یعنی : امید) است .

چهارم : اندازه معمولیت واثر توبه را - در محو وفاک ساختن گاه - ندانستن .

(یعنی : بفادیده واثر توبه یقین نداشتن) .

و هریک ازین چهار امور را جواب خواهیم داد :

پس در بیان جواب اول باین آیت مبارکه آکتنا سینماهیم که خدای تعالی میفرماید :

« ورحْتَيْ وَسْعَتْ كُلَّ شَيْءٍ » سورة اعراف آیت ۱۵^(۲) .

یعنی : { و رحمت من همه چیزها را در بر گرفته است } .

^(۱) آیت اول را در صفحه (۲۹) ترجمه کردند ، ولی معنای جمله « وَأَنْبِّوا إلی ربکم وأسلموا له » این است که : و بالآخر گرید بسوی پروردگار خویش و برای او گردن نهایید . « مترجم » .

واما در بیان جواب دوم پس باین حدیث قدسی^(۱) صحیح اکفا میکیم (که جناب پیغمبر خدا ﷺ روایت نموده) که الله تعالی فرموده است: "من علم آنی ذو قدرة على مغفرة الذنب غفرت له ولا أبالي ، ما لم يشرك بي شيئاً ".^(۲)

یعنی: { هر کسی که بداند - وایمان بپاورد - که من بر مغفرت گناهان قادر ننم و تو انا ام ، البته آنکس را پیامزدم و بآکی ندارم ، بشرطیکه بن هیچ چیزی را شریک نیاورد } . واین واقعه در روز آخرت در هنگام ملاقات بندۀ با خدای خود میباشد .

واما مشکل سوم را پس این حدیث قدسی بزرگ علاج خواهد کرد: "يا ابن آنم إنك ما دعوتني ورجوتي غفرت لك على ما كان منك ولا أبالي ، يا ابن آنم لو بلفت ذنبك عذاب السماء ثم استغفرتني غفرت لك ولا أبالي ، يا ابن آنم لو أتيتني بقراب الأرض خطايا ثم لقيتني لا تشرك بي شيئاً لأنك بقربها مغفرة ".^(۳)

یعنی: { ای فرزند آدم .. هرگاه که مرا دعا کردي واز من اميد نمودی ترا می آمزم - بر هر عملیکه باشی - و بآکی ندارم . ای فرزند آدم .. اگر گناهانت - از بسیاری - باشان برسد ، باز هم از من آمرزش بخواهی ، ترا می آمزم و بآکی ندارم . ای فرزند آدم .. اگر به هری زمین از گناهان نزم بیایی^(۴) ، سهس با من رو برو شوی ، بر حالیکه بن چیزی را شریک نیاورده باشی - البته من به اندازه هری زمین از مغفرت به نزدت خواهم آمد } .

(۱) حدیث قدسی: حدیث که پیغمبر خدا ﷺ از پروردگارش روایت کند ، که از حیث معنی من عند الله باشد ، واز حیث لفظ از پیغمبر خدا ﷺ باشد . « مترجم » .

(۲) روایت امام طبرانی در " المعجم الكبير " وألم حکم . نگاه: صحیح الجامع رقم (۴۴۳۰) .

(۳) روایت امام قزوینی . نگاه: صحیح الجامع رقم (۴۳۸) .

(۴) یعنی: گناهانت باندازه پهنانوری زمین باشد ، که زمین را با حجم خود پر میازد . « مترجم » .

اما در جواب مشکل چهارم بس این حديث شریف کلایت میکند که آنحضرت ﷺ فرمودند : "الثائب من الذنب كمن لا ذنب له " .^(۱)
 یعنی : { شخصی که از گاه توبه میکند مانند کسی است که هیچ گاه ندارد } .
 و برای هران کسانیکه مغفرت و آمرزش خداوند ﷺ را برای گاهان و بدیهای فراوان خویش سخت و مشکل می پنداشند _ این حديث شریف را تقدیم میداریم :

^(۱) روایت امام ابن ماجه . نگاه : صحیح الجامع رقم (۳۰۰۸) .

توبه قاتل صد نفر

از حضرت ابوسعید سعد بن مالک بن سنان خدری رض روایت است که جناب پیغامبر خدا صلی الله علیہ و آله و سلم فرمودند : در کسانیکه پیش از شما بودند یک شخص بود ، که نواد ونه قر را کشته بود ، آن شخص مردم را پرسید که داشتندترین اهل زمین کیست ؟ (تا او را از گاه خود پرسد) ، مردم اورا بسوی یک راهب ^(۱) رهنمایی کردند . پیش آن راهب رفته واورا پرسید که : من نواد ونه نفر را قتل نمودم ، آیا برای من چاره توبه کردن است یا نی ؟ . راهب گفت : نه خیر . (یعنی : جرم تو توبه ندارد) آن شخص راهب را نیز قتل نمود ، وبا او تعداد صد قر را تمام ساخت ، باز بار دیگر مردم را پرسید که عالمترین اهل زمین کیست ؟ این بار اورا به یک عالم رهنمایی کرده شد ، پیش آن عالم رفته و پرسید که : من صد قر را کشته ام ، آیا برایم فرصت توبه کردن است یا نی ؟ . عالم گفت : آری ، (چرا نیست ؟) ، کدام کس بن تو وین توبه کردن مانع شده میتواند ... ؟! و پرایش گفت : به فلان سر زمین برو ، آنجا مردمانی هستند که خدا را پرستش و عبادت میکنند ، تو نیز با آنها یکجا خداوند علیه السلام را پرستش و عبادت کن ، و آنجا باش ، و به سر زمین خود باز نگرد ؛ زیرا او سر زمین بد است ، آن شخص بسوی آن سر زمین موصوف روان شد ، در نیم راه مرگ او رسیده و وفات نمود ، پس در باره او ملاذکه رحمت و ملاذکه عذاب نزاع و جنجال کردند ، ملاذکه رحمت گفتند : این شخص بسوی خدا علیه السلام از صدق

(۱) راهب : عبد و گوشہ نشین و پر هیزگار مردم نصاری . « مترجم » .

دل توبه نموده آمده است ، (پس او از نصیب ما است) ، و ملاتکه عذاب گفتند : این شخص هیچ گونه کار خیر نکرده است ، (پس او از نصیب ما است) .

دران اثنا یک فرشته در صورت آدمی نزد ایشان آمد ، آنها او را بین خویش حاکم و فیصله کن مقرر نمودند ، (تا میان ایشان به چیزی که مناسب می بیند فیصله کند) ، آن فرشته برایشان گفت : شما میان هر دو سر زمین اندازه گیری کنید ، به هر سر زمینی که نزدیکتر باشد از نصیب آن سر زمین میباشد . پس میان هر دو سر زمین اندازه گیری کردند ، واورا بسر زمین که نیت رفتن با آن داشت نزدیکتر یافتند ، پس ملاتکه رحمت او را گرفته و با خود برdenد .^(۱)

ودر روایت دیگری در صحیح آمده که : او بقریه نیک یک و جَب قرب تر بوده ، پس از اهل آن قریه شمرده شد . ودر روایت دیگری در صحیح چنین آمده که : الله تعالی بزمیں که اهل آن مردم بد بودند وحی نمود که : دور شو . و بزمینی که مردم آن نیکوکاران بودند وحی نمود که : نزدیک شو . و فرمود : میان هر دو اندازه گیری کنید . پس او را بسر زمینی که سوی آن روان بود نزدیک تر یافتند ، و همان بود که گاه او را آمرزیده شد .
بلی .. کدام کن میتواند که بین او و بین توبه مانع گردد .. ؟ !

ای کسیکه میخواهی توبه کنی .. آیا گناهان خود را از گناهان این شخص بزرگتر می بینی که خداوند توبه اورا ہدرفته است .. ؟
پس تا امیدی چرا .. ؟ !

(۱) متفق علیه . نگاه : صحیح اسلام بخاری شماره حدیث (۳۴۷۰) و صحیح اسلام مسلم کتاب توبه بلب قبول توبة القتل و ابن کثر قتل شماره حدیث (۶۹۲۹).

بلکه - برادر مسلمان - قضیه ازین هم بزرگتر است ، درین آیات مبارکات تأمل نما : **﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَيْهَا أَخْرَى وَلَا يَعْتَلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَرْجُونَ . وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يُلْقَ أثَاماً * يَضَعِفُ لَهُ الْعِذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مَهَاناً * إِلَّا مِنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلاً صَالِحاً فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾**

﴿سُورَةُ فُرْقَانٍ آيَتُ : ٦٨٠ تَارِيَخٌ ٧٠﴾^(۱).

نتها نزد قول حق سبحانه وتعالی : **«فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»** ایستادن وتأمل نمودن تو را از فضل بزرگ الله تعالی خبر دار میسازد .

علمای کرام میفرمایند : تبدیل که درین آیت مبارکه مذکور است بر دو نوع است :

یکی : تبدیل نمودن صفت‌های بد و نبا درست به صفت‌های نیک و میسدیده ، مثل اینکه ایشانرا بچای شرک ایمان ، و بچای زنا عفت ، و بچای دروغگوئی راستگوئی ، و بچای خیانت امانتداری - ارزانی کد ، و بهمین کیفیت دیگر صفت‌های بد ایشان را به صفت‌های خوب تبدیل میکند .

دوم : تبدیل نمودن کارهای بدی که ایشان در دنیا مرتکب شده بودند به حسنات واجر و ثواب در روز قیامت .

و درین جمله **«يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»** بدققت تأمل نما ، الله تعالی میفرماید که : بدبیهای ایشان را به خوبیها مبدل میسازد ، و نه گفت که : هر یکی از بدبیهای ایشان را یک خوبی مبدل میسازد ؛ چراکه شاید آن خوبی - از نگاه عدد و یا کیفیت - از آن

^(۱) ترجمه این آنها در صفحه (۲۸) گذشته است . « مترجم » .

بدی کتر وبا زیادتر وبا با او برابر باشد ، راجع به صدق وکمال توبه توبه گذار ، پس کدام فضل واحسان را بزرگتر این فضل الهی دیده ای ... ؟! واین فضل وکرم خداوندی را درین حدیث شرف نگاه کن :

عبد الرحمن بن جبیر - رحمت الله عليه - روایت کرده است که ابو طویل "شطب المددود" (یکی از صحابه کرام ﷺ) بخدمت پیغمبر خدا ﷺ آمد - ودر دیگر طرق حديث چنین آمده که : مردی موسفید ، پر ، وکهن سال ، که از بسی کلان سال موهای هر دو ابرویش بر هر دو چشمانتش فرود آمده بود ، بر یک عصا چوبی تکیه نموده ، (ویه بسیار مشکلات زیاد) پیش پیغامبر خدا ﷺ آمده ایستاد شده - وگفت : مرا از مردی خبر ده که هیچ گونه گاه را نگذاشته مگر او را مرتکب شده است ، وا در مجال معصیت هیچ خردی وبا بزرگی را نگذاشته مگر اینکه آن را مرتکب شده است - ودر روایت دیگری گفته است : وهیچ حقی از حقوق مردم را نگذاشته مگر اینکه او را بدست خویش کده وگرفته است ، آقدر گاه او زیاد است که اگر میان همه اهل زمین بخش کرده شود آنها را هلاک خواهد کرد - آیا برای این مرد کدام فرصتی هست که توبه کند...؟! آنحضرت ﷺ در جواب گفتند: آیا مسلمان شده ای .؟ گفت : من گواهی میدهم که نیست معبد برعکس مگر الله و گواهی میدهم که تور رسول و فرستاده او تعالی هستی . آنحضرت ﷺ فرمودند: اعمال خیر را انجام ده ، وکارهای بد را بگذار ، خداوند ﷺ در تیجه همه گاهان تو را بخوبیها و حسنات مبدل میسازد .
گفت : وخیانها و تباہکاری هایم همه نیز چنین میباشند .؟! فرمودند : آری .

میتوهیم توبه کنم ولیکن ...

آن مردی موسفید (از خوشی زیاد) گفت: الله أكابر^(۱). وناکه از نظر مردم دور شد نتکیر میگفت.^(۲)

واینچا شاید شخص تایبی سوال کند، ویگوید: من چون گمراه بودم غاز نمی خواندم، یعنی: از ملت اسلام پرورن بودم^(۳)، و دران اثنا بعض کارهای نیک هم انجام داده بودم، آیا آن کارها به تعم و فایده من حساب میگردد...؟ یا اینکه در دم بادها رفته کم و کمزار شده است...؟

در جواب برایت این حدیث شرف را عرض مینمایم: از عروة بن الزبیر - رحمت الله عليه - روایت است که حضرت حکیم بن حیزان ره وی را خبر داده است، که او به پیشامبر خدا ﷺ گفته بوده: یا رسول الله... خبیر ده از کارهایی که من آنرا در هنگام جاهلیت (پیش از اسلام) بقصد پرسش و عبادت انجام میدادم، از قبیل صدقه دادن، غلام آزاد ساختن، وصله رحمی - آیا دران کارها برایم کدام اجر و قوایب هست یا نه...؟ پیغمبر ﷺ در جواب فرمودند: "أَسْلَمْتَ عَلَى مَا أَسْلَقْتَ مِنْ خَيْرٍ".^(۴)

(۱) الله أكابر گفتن درینجا معنای مهمی دارد، یعنی: هر چند که گناهت زیاد و بزرگ باشد، خداوند ازان هم بزرگتر است، پس تو نیز برادر گلهگارم - و هریک از سان گلهگارم - در دهن شیطان فریبکار سنگ زده، الله أکابر پیگو، و خود را از امیری شیطان رهانموده، وی بدنگی الله عزیز معرف میزار.

(۲) اسلم هیشی گفته است: این حدیث را اعلم طیرانی ویزار بالظاهر قریوب روایت نمودند، و راویان استند امام بزار همه راویان صحیح آن، بجز محمد بن هارون مکنی به ایشان تقدیم، واو م تقدیم است. نگاه: مجمع الزوائد ۳۶/۱.

(۳) اسلام مذکور گفته است: اسلام این حدیث درست وقوی است. نگاه: الترغیب والترغیب هدیب ۱۱۲۹. و امام ابن حجر

گفته است: اسلام این حدیث با شرط صحیح برایبر است. نگاه: الإصابة في تمییز الصحبۃ ۱۴۹/۳. ترجمه: شطب.

(۴) ترک نماز در صحیح ترین اقوال علماء کفر است، و انسان را از میان اسلام پرورن میگردید، و در زمینه دلیل‌های زیادی است، ازان جمله این حدیث را باد میگمکن: "العهد الذي يبتليكم ويفهم الصلة فمن تركها فقد كفر" ترجمه:

حد فاصل بیان ما میوان کفار نماز است پس هر که نماز را ترک کند کفار میشود. روایت اعلم ترمذی و امام نسائی و اعلم حکم وغیره. نگاه: صحیح الجامع رقم (۱۴۳). «ترجم». (۵۹۹۷).

(۴) روایت اعلم بخاری شماره حدیث (۱۳۷) و (۲۲۰) و (۲۵۲۸) و (۵۹۹۷).

ترجمه: { تو بر کارهای نیک گذشته ات مسلمان شده ای } . (یعنی: بعد از اسلام آوردن آن کارهای نیک که در حالت کفر انجام داده بودی _ اجر و ثوابش برایت ثابت خواهد شد).

پس اینست که این کاهان که بخشنیده میشود ، و اینست بدیها که بخوبیها مبدل میشود ،
و اینست نیکوئیهای که در جاھلیت (حالت گاه) کرده شده بود _ برای صاحبین بعد از
توبه ثبت میشود ، پس چه باقی مانده است .. ؟ !

اگر در گاه واقع شوم چه باید کنم ؟

وشاید بگویی : اگر در معصیت واقع گردیدم ، چگونه باز فوراً ازان گاه توبه کنم ؟ آیا در انجا کدام کاری هست که آنرا بعد از وقوع در گاه فوراً انجام دهم ؟

جواب اینکه : باید بعد ازینکه از گاه باز آمدی دو چیز را انجام دهی :

اول آن کار قلب است ، عبارت از پشیمانی بر گذشته ، و عنم و تصمیم حکم بر آنکه در آینده بار دیگر بگاه باز نگردد ، و این عمل قلبی تبیحة خوف و ترس از خدای ﷺ میباشد .

دوم آن کار بدن است ، عبارت از بجا آوردن انواعی از خوبیها که ازان جله "غاز توبه" است ، که درین حدیث بیان گردیده :

حضرت ابو بکر رض میفرماید: جناب رسول خدا ﷺ را شنیدم که فرمودند: "ما من رجل یذنب ذنباً ، ثم یقوم فیظھر ، ثم یصلی رکعتن ، ثم یستغفر اللہ إلًا غفر اللہ لہ".^(۱) یعنی: { هیچ کسی نیست که مرتکب گاه میشود ، باز برخاسته طهارت میکند ، سهیں دور کخت نماز میخوانند ، باز از خدا ﷺ برای گاه خود طلب مغفرت میکند _ مگر اینکه خداوند ﷺ آنکس را می آمرزد } .

بعد ازان رسول کریم ﷺ این آیت مبارکه را بطور دلیل تلاوت نمودند :

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحْشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفِرُوا لِذَنْبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذَّنْبَ﴾

^(۱) روایت اهل مسن . نگاه : صحيح الترغیب والترہیب . ۲۸۴/۱

إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يَصْرُوْ عَلَىٰ مَا فَعَلَا وَهُمْ يَلْعَمُونَ ﴿سُورَةُ آلِ عِرَانَ آيَتٌ : ١٢٥﴾ .

ترجمه: { ویرهیزگاران کسانی اند که: اگر گاه بزرگی را مرتكب شوند ، یا نفشهای خوش را بذریعه گاهان خرد ظلم و ستم کنند _ انگاهه یاد کنند خدا را (یعنی: عظمت و بزرگواری او تعالی را بیاد آورند) پس از خداوند ﷺ برای گاهان خوش آمرزش بخواهند ، و یکست که بامرزد گاهان را مگر خدا؟! و بر گاه خود دوام نمیدهد در حالیکه میدانند که خداوند ﷺ توبه پذیر است } .

و در دیگر روایت های صحیحه صفتی های دیگری برای این دو رکعت نماز - که سبب آمرزش گاهان است - آمده است ، خلاصه آن روایت ها را قرار ذیل بیان مینمایم :

۱- " ما من أحد يتوضأ فيحسن الوضوء " . یعنی: { هر که وضو کند ، پس وضوی خود را بشکل کامل و خوب ادا نماید . - زیرا خطاهای از اعضای شسته شده با هموای آب و با آخرین قطره آب می ریزد . } (۱)

واز خوبی و کمال وضو یافت که پیش از شروع در آن " بسم الله " گفته شود ، وبعد از آنها اذکار وارد شده را خوانده شود ، که آن اذکار قرار ذیل است :

* "أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمداً عبد الله ورسوله" (۲)

(معنی: گواهی میدهم که نیست معبد برع حق مگر الله ﷺ که یکتا ولا شریک است ، و گواهی میدهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده او تعالی است)

(۱) این فضیلت در صحیح امام مسلم از حدیث ابو هریره رض، کتاب الطهارة بباب خروج الخطايا مع الماء برقم (۵۷۶) ثبت است. «مترجم».

(۲) روایت امام مسلم: کتاب الطهارة بباب الذكر المستحب عقب الوضوء . شماره حدیث (۵۵۲ و ۵۵۳). «مترجم»

* "اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتعظرين" ^(۱). (معنی: الهی مرا از توبه کنندگان بگردان، و نیز از کسانی بگردان که همیشه پاک و یا کیزه اند)

* "سبحانك اللهم وبحمدك أشهد ألا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إليك" ^(۲).

(معنی: خداوندا! پاکی ترا بیان میکنم، و ترا سایش می نمایم، گواهی میدهم که بجز تو دیگر معبد برحق نیست، از تو طلب مغفرت میکنم، و سوی تو توبه میننمایم) و برای هریک ازین اذکار که بعد از وضو گفته میشود اجر بزرگی ثابت شده است.

-۲- "يَقُومُ فِي صَلَوةِ رَكْعَتِنِي". یعنی: برخیزد و در رکعت نماز ادا نماید.

-۳- "لَا يَسْهُو فِيهِمَا". یعنی: در آن دو رکعت نماز خویش سهو نکند.

-۴- "لَا يَجْدُث فِيهِمَا نَفْسَهُ". یعنی: در آن دو رکعت با نفس خود سخن نگوید. (به این معنی که در هوش و فکر کش هر گونه سخنها رفت و آمد نکند، صرف در نماز خود فکر نکند)

-۵- "يَحْسِنُ فِيهِنَ الذِّكْرُ وَالْخُشُوعُ". یعنی: آن نماز را با ذکر و خشوع خوب و درست ادا نماید.

-۶- "ثُمَّ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ". یعنی: سهیس از خداوند آمرزش خواهد.

(هرگاه این اعمال مذکوره را بجا نماید) در تبیجه برایش این دو جایزه بخشیده میشود: پیکی: "عَفْرَلَهُ مَا قَدَمَ مِنْ ذَنْبِهِ". همه کاهان کذشته اش آمرزیده می شود.

(۱) روایت امام ترمذی رقم حدیث (۵۵) نگاه صحیح سنن الترمذی رقم (۴۸). «متترجم».

(۲) روایت امام نسائی در کتاب «عمل اليوم والليلة» ص ۱۷۳. نگاه: ارواء الغلیل ۱/۱۳۵ و ۲/۹۴. «متترجم».

دوم : "وجبت له الجنة". دخول جنت برایش لازم وحتى مىگردد^(۱).

علاوه ازین، از دیگر خوبیها و طاعتها نيز بسیار انجام دادن مطلوب است.

نگاه کن حضرت عمر بن الخطاب رض را ، هنگامیکه احسامن گاهه کرد در گفت وکوی خود با جناب رسول خدا صلی الله علیہ و آله و سلم در باره صلح حدیبیه _ بعد ازان گفت : "فعلت لذلك أعملاً". یعنی : { از برای یاک ساختن گاه خود کارهای نیکی انجام دادم } .

و درین مثال که درین حدیث صحیح وارد شده تأمل نما ، که آنحضرت صلی الله علیہ و آله و سلم فرمودند : "لذ مثیل الذي یعمل السیئات ثم یعمل الحسنات کتمل و جل کانت عليه درع ضیقة قد خفتة ، ثم عمل حسنة فاقنکت حلقة ، ثم عمل أخرى فاقنکت الأخرى ، حتى یخرج إلی الأرض".^(۲)

یعنی : { مثال کسیکه عمل بد میکند و سپس عمل نیک میکند ، مثال شخصی است که بر قن او یک درع^(۳) نشکی بوده ، که از نشکی زیاد آن شخص را خفه ساخته است ، سپس آن شخص یک عمل نیک انجام داد ، به ذریعة آن عمل یکی از حلقه های آن درع واگردید ، باز یک عمل نیک دیگری انجام داد ، تو سط آن عمل یک حلقه دیگری از آن حلقه ها واگردید ، و به همین ترتیب ازان درع رها گردیده ، ویر زمین آزاد رفتار نمود } . پس نیکیها شخص کهکسار را از زندان معصیت آزاد نموده ، و به عالم طاعت وسیع میکشد .

و همه امور گذشته را برایت - برادر عزیزم - این قصه عبرتاک ملخص میسازد :

(۱) نگاه : صحیح الترغیب والترہیب ۹۴/۱ - ۹۵.

(۲) روایت امام طبرانی . نگاه : صحیح الجامع رقم (۲۱۹).

(۳) درع : زره ، جامه چنگ که از حلقه های تکه های آهن درست گشتند . نگاه : فرهنگ عرب . « مترجم » .

از حضرت عبد الله بن مسعود رض روایت است که فرمودند: شخصی نزد رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسالم آمده وگفت: يا رسول الله ...! من يك زنی را در يك باغ (تها) یافتم، پس با آن زن هرچه تو انسنم کردم، مگر با او جماع نکردم، او را بوسه کردم، و در آغوش خود گرفتم، وغير ازین دیگر چیزی نکردم، (وحالا پیش شما آمدم) هر چه میخواهید حکم کنید.
جناب پیغمبر خدا صلوات الله عليه وآله وسالم او را هیچ جوابی نگفت. او پس پرون رفت.

حضرت عمر رض (که در مجلس حاضر بود) گفت: حقاً که او را خداوند صلوات الله عليه وآله وسالم ستر کرده بود، اگر خود را ستر می نمود خوب میشد.

ودر اثنای برادران آن شخص رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسالم او را - هرسو که میرفت - با چشم مبارکشان نگاه میکردند، سپس فرمودند: "ردوه علی". یعنی: آن شخص را پیش من برگردانید. او را بخدمت آنحضرت صلوات الله عليه وآله وسالم بازگرداندند، جنابشان بر او این آیت مبارکه را تلاوت نمودند: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفَ النَّهَارَ وَزِلْفَانَ مِنَ اللَّيلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَنُ الْسَّيْئَاتُ ذَلِكَ ذَكْرُى لِلذَّاكِرِينَ﴾ «سورة هود آیت: ١١٤». ترجمه: { ویرها کن نماز را در دو طرف روز و ساعتی چند از شب، خوبیها واقعاً بدیهارا محو و یا ک میسازند، این فرمان پندی است پند پذیران را } .

حضرت معاذ رض - ودر روایتی: حضرت عمر رض - گفت: يا رسول الله! این حکم تنها برای این شخص است؟ يا برای همه مردم؟ فرمودند: بلکه برای همه مردم است. ^(۱)

^(۱) روایت امام معلم. مترجم میگوید: حدیث مذکور را امام بخاری در صحیح خود بشماره (۵۲۶) و (۴۶۸۷)، و امام معلم در صحیح خود کتاب توبه یاد قوله تعالی: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفَ النَّهَارَ وَزِلْفَانَ مِنَ اللَّيلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَنُ الْسَّيْئَاتُ ذَلِكَ ذَكْرُى لِلذَّاكِرِينَ﴾، و امام ترمذی در سنن خود به شماره (۳۱۱۳)، و امام ابن ماجه به شماره (۱۳۹۸) و (۴۲۰۴) روایت نمودند، ولی الفاظ ایشان بالقطع مؤلف موافق نیست.

مردمان بد همیشه در دنبال من اند و مرا می رانند

و شاید بگویی : من میخواهم توبه کنم ، ولیکن مردمان بد کاران از همنشینان قدیم همیشه و در هرچا در دنبال من اند و مرا می رانند ، و عجورد اینکه در حالم کدام تغیری را مشاهده نمایند بر من حمله پرآگده و طولانی خواهند کرد ، و من در مقابل آنها احساس کمزوری میکنم ، پس من چه چاره کنم ... ؟!

در جواب میگوییم : صبر کن ، که ایست سنت خداوند علیه السلام در ابتلا و امتحان بندگان خلصانش ، تا به ذریعه این ابتلا و امتحان راستگویان را از دروغگویان ظاهر سازد ، و تا پلیدی را از هاکی جدا کرداند .

ومادامیکه قدم خود را در اول راه نهاده ای پس باید محکم باشی ، و این مردم ایشانند شیطانهای جن و انس ، که بایکدیگر در حق تو و سوسه میکنند ، تا تو را بر حال قدیمت و بر معصیت اولت بازگردانند ، پس هرگز ایشان را اطاعت نکن .

البته آنها در بدایت برایت میگویند که : این راه که برای خود اختیار نموده ای بک دیوانگی و سبک عقلی است که زود از توزایل خواهد شد ، و این یک حالت تنگدلی و ضيقیت است که برایت پیدا شده و پس کم میشود .

و جای تسبیح است که یکی ازین مردم برای رفیق خود - که نو در بدایت راه توبه بوده - میگوید : خیریت است ؟ ! ترا کدام بدی نرسیده باشد ؟ !

وینز از عجایب اینکه : یکی از زنان که با یک جوان از طریق تلفون علاقه یافته بود ، باز بعد از چند مدت خداوند آن جوان را هدایت داده ، واو راه توبه را اختیار نمود — آن زن به او تلیفون کرد ، واو تلیفون را در روی وی بند نمود ؛ زیرا او توبه نموده و دیگر ازین زیادتر گاه نمی خواهد ، آن زن بعد از مدتی بار دیگر به او تلیفون کرده و گفت : شاید حالا وسوساً از تو دور شده باشد ... !! (توبه را وسوس مینامد ... !!)

و خداوند ﷺ میفرماید که : « قل أَعُوذُ بِربِ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مَنْ شرَّالْوَسْوَاسِ الْخَنَّامِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنْ أَجْهَنَّمِ وَالنَّاسِ »

ترجمه : { بگو پنهان میگیم به پروردگار مردمان . پادشاه مردمان . معبد بر حق مردمان . از شر و بدی و سوشه کننده (در هنگام غلت) دور شونده (در هنگام ذکر خداوند) . آنکه وسوسه من افگند در سینه های مردمان . از شیطانهای جن و انس } .
پس (برادر مسلمان) کی لائق اطاعت تو است ؟ پروردگارت یا همنشینات ؟
و باید خوب بدانی که رفیقان و همنشینان بد همیشه و در هرجا که باشی در هی و طلب تو میباشند ، وسیع و کوشش میکنند تا ترا بسوی راه گراحتی و تباہی به هر وسیله ای که ممکن است بازگردانند .

یک جوان بعد از توبه کردنش برایم قصه میکند که او قبل از یک دختر بد علاقه داشته ، و بعد ازینکه توبه نموده هرسو که میرفت آن دختر موتوروان خود را امر میکرد که از دنیال او بروم ، حتی هنگام مسجد رفتن از هی او با موتر خود رفته ، و با او از کلکین موتر سخن میزد . البته در چنین حالات « یثبت اللہ الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیة وفي

الآخرة) «سورة ابراهیم آیت: ۲۷» ترجمه: { ثابت میگرداند خدا آناتی را که ایمان آور دند بگفتن سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت } .

این مردمان بد کوشش می نمایند که ترا به روزهای گذشته ایت یاد آور سازند، و گاهان سابقه را برایت مزین و آراسته سازند، به هر طریقه ای که ممکن است، بطریقه یاد آوری .. بطریقه عذر و زاری .. بطریقه عکس ها .. بطریقه خطها و نامه ها .

پس هرگز آنها را اطاعت نکن، وبا حذر باش که ترا گمراه نکنند، و درینجا در یاد داشته باش قصه صحابی جلیل حضرت کعب بن مالک رض را، هنگامیکه رسول کریم صل همه صحابه را امر فرمود که با حضرت کعب علاقه خویش را قطع کنند، زیرا او از غزوه تبوك تخلف نموده، تا خداوند توبه او را قبول فرموده، و در شان او آیت نازل کد، (واین مقاطعه تا پنجاه روز ادامه داد، و حضرت کعب رض بسبب آن بسیار بتنگ آمدند، تا اندازه ای که زمین با هنارویش برای وی تنگ شد) درین حالت بود که پادشاه "غستان" بعنوان او یک نامه ای فرستاده و دران نامه چنین عرض نموده که: اما بعد .. برای ما خبر رسیده که یار تو (محمد صل) به توجیخ نموده است، و خداوند ترا خوار نگذاشته و ضایع نخواهد کرد، پس به پیش ما ببا، ما ترا کنک کرده و از تو قدردانی خواهیم کرد.

این پادشاه کافر میخواهد که این بندۀ مومن را بطرف خود جلب نماید، (ویا بن چنین سخنان شیرین او را دلخوی کند)، تا از مدینه (سر زمین اسلام) برآمده، و به سر زمین کفر رفته ضایع گردد .

موقع این صحابی جلیل ازین نامه چه بود؟

حضرت کعب ؑ میفرماید : چون نامه را خواندم با خود گفتم : این نیز از ابتلا و اسحان است ، (خداآوند مرا آزمایش میکند که آیا در توبه خود راست و محکم یا نیست؟) هس آن نامه را گرفته قصد تور شدم ، واو را در تور انداخته سوزانیدم .

هس تو نیز - ای بنده مسلمان ! مرد باشی یا زن - باید چنین غافلی ، هر نامه ای که برایت از طرف اهل سوء فرستاده میشود ، آنرا گرفته (بلب تور برده) بسوزانش ، تا که خاکستر گردد ، و هنگامیکه او را می سوزاندی آتش دونخ را در یاد داشته باش ، (که اگر تو امروز آن نامه را سوزانی ، شاید فردا روز قیامت خودت بسبب آن در آتش دونخ بسوزی) «فاصبر لَنْ وَعْدَ اللَّهُ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفْنَكَ الظَّالِمُونَ لَا يَوْقُنُونَ» «سوره روم آیت اخیر» . ترجمه : { هس صبر کن بر اذیت ایشان ، و یقین دار که وعده خداوند حق است ، و سبکسار^(۱) نکنند ترا کسانیکه یقین نمی آورند } .

^(۱) سبکسار : سبک سر ، سبک عقل ، کم خیزد . «متترجم» .

آنها مرا تهدید میکنند

وشاید بگوئی : من میخواهم توبه کنم ، ولیکن باران ورفیقان پیشینم را تهدید میکنند ، مرا میترسانند ، میگویند که فضایح ، عیبها ، ورسوائی هایت را میان مردم اعلان میکنیم ، اسرار وکارهای بهنامت را برای همه افشا می نمائیم . نزد آنها عکس ها ووثیقه ها وجود دارد ، من از افشا نمودن آن بر سمعت وابروریم خوار میخورم . . . ! !
من میترسم . . . ! !

در جواب میگوئیم : با دوستان و فرمانبرداران شیطان جهاد کن ، واپیشان نه ترس ، که مکروهی شیطان سست بی قوت است ، وابن تمجیدی و فشار آوری مددکاران ابلیس است ، که همه یکجا شده بر تو فشار می آورند ، باز مدت اندکی را دربر نگرفته بزودی - پیش صبر مومن و ثبات و حکم بودن او - تیت واشان میگردند .

وبدان که هرگاه سخن آنها را باور نمودی ، وبا آنها سستوی کردنی ، بر سرت زیادتر اثباتها خواهند گرفت ، پس اول و آخر خودت خسارت می بینی ، ولیکن ایشان را اطاعت نمکن ، وبرعلیه شان از خداوند کمک ویاری خواه ، وبگو : " حسبي الله وصم الوکيل "(۱) وحناب پیغامبر خدا هرگاه از کدام قومی خوار میخوردند این دعا را میگفتند : " اللهم إنا نسألك في خورهم ، ونحوذ بالك من شرورهم ". (۲)

یعنی : { خدایا ! ما ترا در برابر دشمنان خویش قرار می دهیم ، واژ شرارت و بدی های

(۱) معنی : پس امت مرا خدا پاری دهنده وکلیت کلنده ، وخدلوند چه خوب کار گذاریست . « مترجم ». .

(۲) روایت امام احمد وابو داود . نکاه : صحیح الجامع رقم (۳۵۸۲) .

آنها به تو پنهان من بزیرم } .

درست است که موقف بسیار سخت است ، و آن زنی بیچاره ای که توبه نموده
یار بدش به او تلیفون کرده واو را تهدید نموده برایش میگوید: آوازها و سخنان را ثبت
نموده ام ، وزدم عکسها یت وجود دارد ، و هرگاه با من برآمدن را قبول نکنی ترا پیش اهل
و فامیلت رسوا من سازم !!

درست است که این زنی بیچاره در موقعی قرار دارد که کسی او را برآن موقف حسد
نکند !^(۱)

ونگاه کن بسوی مردان وزنان بیت و غزل خوانان و مثیلین و میثانی که توبه کرده اند ، بین
که پروان شیطان با آنها چگونه جنگ ها میکنند ؟ بدترین پیتها و فلمهای ایشان را در
بازارها پائین میسازند (برای چه ؟) برای فشار آوری ، و حرب نفسی با ایشان .
ولیکن خداوند با متیان و با توبه کنندگان است ، واو است دوست و کارساز مونمان ،
و ایشان را هرگز بی کک و بی نصرت نمیگذارد ، واژ یاری دادن ایشان دست بر نمی
دارد ، وهیچ بنده ای نیست که بخداؤند ﷺ پنهان برده باشد ، باز نا امید شده باشد ،
و بدان که با هر سختی آسانی است ، و بعد از هر تگی گشادگی است .
و بخدمت تو - برادر توبه کذارم - این قصه مؤثر را مجیث نمونه و دلیل روشن بر آنجه یاد
نمودم تقدیم میدارم :

(۱) لیکن بپل داشت که بغير از توبه کردن کدام راه خلاص نیست ، و به فشار آوری ایشان سر ماندن تباہی دنبیا
و اختر را در پی دارد ، و هرگاه خداوند ﷺ از بندۀ اش حزم محکم و توبه راستین را بداند حتماً او را نگه میدارد ،
واز او دفاع میکند « إن الله يدافع عن الذين آمنوا » ، و عیبهای او را مستر میکند ، و کلام دشمن خدا میتواند که پرده
و پردازند ؟ . « مترجم ».



آن قصه، قصه صحابی جلیل مرثد بن ابی مرثد غنوی است، آن مرد فداکار که سلمانان ضعیفان و بیچارگان را از مکه مکرمه پدیده منوره بطور همان مس کریزانید. و در مکه مکرمه یک زن بغض^(۱) بود که او را "عناق" می نامیدند، (پیش از اسلام) آن زن با مرثد یار و رفیق بوده، روزی مرثد کسی را وعده داده بود که او را از مکه مکرمه کریزانیده پدیده منوره می برد. حضرت مرثد میگوید: پس بمحکه آمدم، تا که به سایه یک دیواری از دیوارهای مکه رسیدم، در شب مهتاب روشن، بود که "عناق" در آنجا پیدا شد، و سیاهی سایه ام را در بر دیوار دید، و هنگامیکه من نزدیک شد مرا شناخت، و گفت: تو مرثدی؟. گفتم: بلی مرثدم. گفت: خوش آمدی، در جای خودت آمدی، بفرما امشب جای ما خواب کن. گفتم: ای عناق! خداوند^(۲) زنا را حرام گردانیده است. چون این سخن را از من شنید فرماد کرد: ای باشندگان خیمه ها ایست آن مردی که اسیران شمارا هردم می کریزاند! همین بود که هشت نفر از شان در طلب من برآمدند، من از شان فرار نموده، و خود را در کوه "خدنه" زدم^(۳)، و در یک غار ویا کهنه دران کوه درآمده پناه گرفتم، آنها از بی من آمده، و من خیلی نزدیک شدم، اندازه ای که بر بالای سرم ایستاد شدند، ولی خداوند^(۴) چشمان شان را کمر ساخت، پس مرا نمیدند، واژآجبا بازگشتد، و من به پیش آن مرد که با او وعده دار بودم بازگشتم، واو را بار کرده کریزانیدم، واو یک انسان خیلی کران و وزین بوده، تا به یک منطقه ای رسیدیم که "اذخر" نام داشته، آنجا قیدها و زنجیرهای او را و نمودم، و بار دیگر او را

(۱) بغض: زانیه، فلخته. «متترجم».

(۲) خدنه: کوه معروفی است در کنار یکی از راه های دخول مکه مکرمه.

از آنجا برداشته تا مدینة مسورة آوردم ، ومرا تا آنجا خیلی مانده ساخت .

هُنَّ از رَسِيدِنَ بِخَدْمَتِ رَسُولِ اللَّهِ أَمْدُهُ وَبِرَايْشَ كَفْتُمْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ! آيَةٌ "عَنَاقٌ" رَا بِهِ نَكَاحٌ بِكِيرٍ ؟ سُوَالٌ خَوْدَ رَا دُو بَارٌ تَكَارٌ غَوْدَمْ ، وَلِي پِيغَامِبَرِ خَدَا در هر دو بار سکوت را اختیار غَوْدَنَدْ ، وهیچ جوابم را ندادند ، تا این آیت مبارکه نازل گردید : **(الْوَانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً ، وَالْوَانِي لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانَ أَوْ مُشْرِكٌ^(۱) وَحْرَمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ)** «سُورَةُ فُوَّا آیَتٌ : ۳»

ترجمه : { مرد زنا کار نکاح نمیکند مگر زن زنا کار ویا مشرک را ، وزن زنا کار را بنکاح نمی کرد مگر مرد زنا کار ویا مشرک ، واین کار بر مومنان حرام گردانیده شده } .
هُنَّ پِيغَامِبَرِ خَدَا بِرَايِمَ فَرَمَوْدَنَدْ : ای مرند ! مرد زنا کار نکاح نمیکند مگر زن زنا کار ویا مشرک را ، وزن زنا کار را بنکاح نمی کرد مگر مرد زنا کار ویا مشرک ؛ ازین نگاه تو آن زن را بنکاح نگیر .^(۲)

آیا دیدی که خداوند **خَلِقَ** چطور از مومنان دفاع میکند ؟ و چگونه با بندگان نیکوکارانش میباشد ؟

و اگر قضیه را بر بدترین احتمالاتش بگیریم ، و بگوئیم که آنچه ازو می ترسیدی واقع شد ، بعض عیها ویا بدیها ویا کارهای **بَهَانَ** تورا آنها برای مردم اعلان و افشا گردند ، و قضیه بتوضیح کردن احتیاج داشت – هُنَّ (هیچ شخصی ندارد ، به دهن بر و صراحت

(۱) آیت را تا آنجا ذکر نموده ، ولی من آنرا از برای اتمام معنی تا آخر یاد نمودم . « مترجم » .

(۲) نگاه : صحیح متن الترمذی ۸۰/۳

کامل) موقف خود را برای دیگران بیان نماید ، و بگو : بله .. من قبل اگه کار بودم ،
و بعد این سوی خداوند توبه نمودم ، پس شما چه میخواهید ؟ (۱)

و باید همه ما بدانیم که رسوایی بزرگ و حقیقی آن رسوایی است که در روز قیامت پیش
خداوند جلیل مبارکه میباشد ، آن روز رسوایی بزرگ نه پیش صد یا دو صد قفر ، ونه پیش
یک هزار ویا دو هزار قفر ، بلکه در حضور کوامان ، پیش همه خلائق ، از ملاکه و حن
وانس ، شروع از آدم مبارکه تا آخرین کسی که درین دنیا زندگی کرده است _ میباشد .

پا دعای ابراهیم مبارکه را بشنو که چه میگوید : « ولا تخزنی یعنی یعنی # یوم لا یتفع
مال ولا یعنی # إلا من أتى الله بقلب سليم » سورة شعراء آیت : ۸۷-۸۹

ترجمه : { خدا بایا ! سوا رسوایی نکن در روزی که مردمان از قرهای خوش کشیده
میشوند . روزی که دران نه مال ونه فرزندان سود وفایده رسانند . مگر کسی را که پیش
پروردگار خود بدل سالم از کاه باید } .

ودر وقتهای سخت و مشکلات و ترس از رسوایی _ خود را بدعاهای نبوی تحصین کن ،
و بگو :

- " اللهم استر عوراتنا ، وآمن روغاننا " ترجمه : { خدا بایا ! عورتها وعیب های را
ستر نمای ، و ترس و لرزم را آرام ساز } .

(۱) وتران درین کار پیروی نیک است به موسی قاسم هنگامیکه فرعون در پیش گفت : « وفلت فلانک الی فلت
وأنت من الکافرین » ترجمه : { وان کردی خود را انجام داده ای و تو از ناسیستی } . فرعون میخواهد که حضرت
موسی قاسم را بر گاه خفته اش . که مرد قطیع را بقتل رسانیده بود - ملامت و سورزنش کند ، ولی موسی قاسم
بدهن پر و سراحت کامل و ثابت مومن پرداخت . « فلتها ای وآنها من الشفلين * فلت منکم لاما خفتکم فوهب لی
ربی حکماً وجعلني من المرسلين » ترجمه : { بله .. من آن کردی انجام داده بودم ، و من از گمراهان
بودم . بد از ان ترس از عقوبات شما فرار نمودم ، پس پروردگارم من اعلم و حکمت بخثید و من از پیغمبران خود
گرفتایید ». مترجم . » .

- " اللهم اجعل ثأرنا على من ظلمتنا ، ونصرنا على من بغي علينا " ترجمه : { خداوند ! برای ما از کسانیکه ما را ظلم کرده اند انتقام گیر، و ما را بر کسانیکه سرِ ما بقاوت و سرکشی کرده اند نصرت ده } .
- " اللهم لا تشم بنا الأعداء ولا الحاسدين " ترجمه : { خدایا ! دشمنان و حاسدان را - بسبب اهانت و رسوانی ما - شادمان نگردان } .

گاهان زندگانی ام را تلخ و تاخوش ساخته است

و شاید بگوئی : من گاهان زیاد و کوناگوئی را مرتکب شده بودم ، و حالا بسوی پروردگارم توبه نمودم ، ولیکن باز هم درد آن گاهان بی مرا نگذاشته است ، و هرگاه کارهای گذشته خویش را یاد کم بمن زندگانی ام را تلخ میسازد ، و خوابگاهم را نآرام ، و شبم را بی خواب ، و راحتم را دور میسازد ، هس راه راحت و آرام شدم چیست ؟

برایت میگوییم : ای برادر مسلمان ! این احساسها نشانه های توبه راست و درست است ، و این عین ندامت و شیمانی است ، و شیمانی از گاهان گذشته در ذات خود توبه است ، هس بسوی گاهان گذشته خود بچشم امید نگاه کن ، امید آنکه خداوند رحیم آن گاهان را بسازد ، و از رحمت وسیع خداوند غافل نا امید نباش ، که خدای تعالی میفرماید : «وَمَن يَقْطَعْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» سورة حجر آیت ۵۵ .

ترجمه : { و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گراهان } .

و حضرت ابن مسعود رض میفرماید : بزرگترین گاهان بزرگ عبارت اند از : شرک آوری با خداوند غافل ، و در امان بودن از مکر خداوند غافل^(۱) ، و نا امید بودن از رحمت خداوند غافل ، و در روزگار عسرت و تنگی از کمک و پاری خداوند مایوس شدن .^(۲)

و بنده مومن باید همیشه میان ترس و امید بسوی الله عز و جل راه برود ، و گاه در بعض اوقات یکی ازین دو حالت را بر دیگر - نظر بجاجت انسان - غالب تر گردانیده میشود ، هس

(۱) بمعنی : ناگاه گرفتن خداوند غافل مر بنده خود را . « متزجم » .

(۲) این اثر را امام عبد الرزاق روایت نموده ، و امام هیشی و امام ابن کثیر هردو استند آن را صحیح شمردند .

من گامی که در گاه واقع میشود جانب خوف و ترس را غالب تر بسازد؛ تا او را باعث شود که توبه کند، و چون توبه کرد جانب رجا و امید را غالب تر ساخته، و از خداوند عفو و بخشش بخواهد.

آیا بر من لازم است که اعتذاف کنم ؟!

پرسنده‌ای با آواز غمگین و اندوه‌ناک پرسیده می‌گوید: من میخواهم توبه کنم ، ولیکن آیا بر من لازم است که رقت و باتوجه کاه کرده‌ام اعتذاف و اقرار کنم ؟ آیا از شروط قبول توبه همین است که پیش قاضی محکمه رقت به همه کاهانی که مرتکب بودم اقرار کنم ؟!

واز او میخواهم که بر من عقوبت و بجزای شرعی را تطبیق نماید ؟
وقصه‌ای که پیشتر خوانده‌ام در باره توبه کردن ماعز وزن غامدیه و مردی که زنی را در باغی بوسه نموده بود _ این همه قصه‌ها چه معنی دارد ؟!

در جواب پرایت می‌گوییم : برادر مسلمان .. اتصال و پیوستگی بنده به پروردگار خود ، بدون اینکه میان خویش و میان پروردگارش کدام کسی را وسیط وبا میانجی گرداند _ یکی از بزرگترین مزایای دین اسلام است ، دین یکتا پرستی که خدای تعالی آن را برای ما پسندیده و انتخاب نموده است ، ارشاد خداوندی است : ﴿إِذَا سَأَلْتَ عَبْدَيْ فِي أَعْنَى قُرْبَ أَجِيبْ دُعَوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ «سوره بقره آیت: ۱۸۶».

ترجمه : {وجون ترا - ای پیامبر ﷺ - بندگانم از صفت من ، و یا از معامله من با ایشان در وقت دعا کردن بہرستند ، پس برایشان بگو که من به ایشان نزدیکم ، دعای دعا کننده را وقتیکه مرا دعا میکند می شنوم و قبل میکنم } .

وأكْرَمْ حَتَّا بِإِيمَانِ باشِيمْ كَمْ تُوبَهْ بِذِيْرْفَنْ از آنْ خَدَا اسْتَ ، پَسْ اعْتَرَافْ نَمُونَنْ
نَيْزِ بَيْشَ اوْ تَعَالَى اسْتَ ، وَدَرْ دَعَى " سَيِّدُ الْاسْتَغْفارَ " اِنْ جَمَلَهْ مَذَكُورَ اسْتَ كَهْ : " أَبُوهُ
الَّكَ بِنْعَمَتْكَ عَلَيَّ ، وَأَبُوهُ بِذِنْبِيَّ " . يَعْنِي : بِنَعْمَتِهِيَّ كَوْنَا كَوْنَتْ قَائِمَ ، وَبِكَاهَانِ خُودَ اقْرَارَمْ .
وَمَا مُسْلِمَانَانَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ - مُثْلِ مُرْدِمْ نَصَارَى نَيْسَتِيمْ كَهْ درْ تُوبَةِ خُوشِ مُحْتَاجْ
قِيسِيَّ(۱) باشِيمْ ، وَيَا چَوْكِي اعْتَرَافْ ، وَقِبَالَةِ غَفَرَانَ ، تَا با آخَرَ اِرْكَانِ رِيشَخَندِيهَا
وَمُسْخَرَهْ بازِي آنَهَا - مُحْتَاجْ هِيجْ يَكِي اِنْ كَوْنَهْ خَرَافَاتِ نَيْسَتِيمْ ، بِلَكَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِيْفَرْمَايدَ :

﴿أَلَمْ يَلْمِعُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنِ الْعَبَادَةِ﴾ سُورَةِ تُوبَةِ آیَتِ : ۱۰۴ .

تَرْجِمَهْ : { آيَا نَدَانِسَتَهْ اَنَدَ كَهُ اللَّهُ حَمَلَهُ آنَ ذاتَ اَقْدَسِيَّ اسْتَ كَهْ تُوبَهْ رَا از بَنْدَگَانَ
خُوشِ قَبْولِ مِيْفَرْمَايدَ } . يَعْنِي : تُوبَهْ رَا از بَنْدَگَانَ خُودَ مُسْتَقِيمًا بَدَونِ هِيجْ كَوْنَهْ وَسِيطَهْ مِنِي
بِذِيْرَدَ .

اما در باره طبیق نمودن حدود (عَوْبَتِهَايِ شَرْعِيَّ(۲)) پَسْ أَكْرَمْ قَضِيَهِ بهِ اِمامِ مُسْلِمِينَ وَيَا
حَاكِمَ منْطَقَهِ وَيَا قَاضِيَ مُحَكَّمَهِ نَهْ رِسِيدَهِ باشَد _ هَرَكَرَ لازِمَ نَيْسَتَ كَهْ بَنْدَهْ كَهْكَارَ بَيْشَ
ایشَانِ رَفَهَ اَقْرَارَ كَدَ ؛ زَيْرَا هَرَ كَهْ رَا اللَّهُ حَمَلَهُ سَتَرَ كَرَدهِ باشَد باكِي نَدارَد كَهْ اوْ نَيْزَ خُودَ
را سَتَرَ كَدَ ، وَبِرَايَشْ كَافِي اسْتَ كَهْ درْ بَيْنَ خُودَ وَبَيْنَ اللَّهُ حَمَلَهُ تُوبَهْ كَدَ .
ويَكِي از تَامَهَايِ بَارِيَ تَعَالَى " السَّتِيرَ " اسْتَ ، بِعَنْتَيِ : سَتَرَ كَنَنَهْ ، وَأَوْ تَعَالَى دَوْسَتَ
دارَد كَهْ بَنْدَگَانَ خُودَ سَتَرَ كَدَ .

(۱) قَسِيسْ : پَيْر ، سِرْكَلَانْ ، بَيْشَوا ، مَرْدَ مَعْتَبِرِ وَدَانَا نَزَدَ مُرْدِمْ نَصَارَى اسْتَ .

تَتَبَيَّهْ : بِرَخَى از مَرْدِمْ بِرَ اِنْ بَلَورَ اَنَدَ كَهْ شَخْصَ تَلِيبَ ، بَلَدَ بَيْشَ آنَ كَسِيَ كَهْ خُودَ رَا " پَيْر " وَيَا " مَرْشَدَ " مِنِي .

(۲) مَثَلْ : كَشْتَنْ قَاتِلَ ، سِنْكَلَارَ كَرِدَنْ زَانِي ، دَسَتَ بِرِيَنْ دَزَدَ ، وَغَيْرَهُ . « مَتَرَجَمَ » .

اما آن صحابه کرام (که پیش رسول الله ﷺ آمده، و به گاه خویش اعتراف نمودند، واز آنحضرت ﷺ خواستند که ایشان را توسط تطبیق نمودن عقوبات شرعی ازان گماهان پاک سازد) همچون: ماعز، وزنِ خامدیه که هر یک زنا کرده بودند، و مردی که زنی را در با غای از با غای بوسه نموده بود — پس ایشان ﷺ کاری کردند که بر ایشان واجب ولازم نبود، بلکه آن کار از حرص زیاد ایشان بود برای پاک ساختن نفسهای خویش؛ بدلیل اینکه: هنگام که حضرت ماعز ﷺ و همچنان آن زنی خامدیه — رضی الله عنها — نزد رسول الله ﷺ آمده، واعتراف نمودند — در ابتداء آنحضرت ﷺ از ایشان اعراض نمود، (تا باز گردیده، خود را ستر نموده، و توبه نمایند)، و به همین صورت گفت حضرت عمر ﷺ برای آن مردی که زنی را بوسه کرده بود: "حقاً که او را خداوند ﷺ ستر کرده بود، اگر خود را ستر می نمود خوب میشد". و پیغمبر خدا ﷺ سخن وی را اقرار نمودند.

بنابر این — مادامیکه الله ﷺ او را ستر و پرده کرده است — بر او لازم نیست که به محکمه رفته واعترافهای خود را بصورت رسمی ثبت کند. و همچنان لازم نیست که پیش امام مسجدی رفته واز او بخواهد که حد خداوند ﷺ را بر روی تطبیق سازد، و یا اینکه به یکی از رفیقان خود کس خواهد تا او را در داخل خانه دره زند، چنانچه در ذهن های بعضی وارد میگردد.

وقتیکه سخن گذشته را دانستی برایت موقف بد و رشت بعض جاهلان نسبت به بعض توبه کنندگان در مثل این قصه هویدا میگردد، که خلاصه آن را ذکر می نایم:

شخص گهگاری بیش یک امام مسجد - که جاهم بوده - رفته، ویرای او همه گاهان خود را عرض نموده، واژ او راه حل را پرسید. آن امام جاهم در جواب برایش گفت: نخست از همه باید به محکمه بروی، و آنچه همه اقرار های خود را شرعاً تصدیق و ثبت نمائی، و بر تو عقوبتهای شرعی که لازم است تطبیق کرده شود، بعد ازان در باره توبه ات دیده میشود. چون آن شخص بیچاره دید که برداشت این چنین سخن را ندارد - از راه توبه برگشت، و در گاه خود ادامه نمود.

و من این فرصت را غنیمت دانسته در باره یک مسأله ای بسیار مهم تعلیق نموده میگویم: ای مسلمانان! یقیناً دانستن احکام دین امانت است، و آن احکام را از مصادر صحیح و درستش طلب نمودن هم امانت است، الله تعالی میفرماید: «**فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِكْرِ لِنَ كُنْ لَا تَعْلَمُونَ**» **﴿٤٥﴾** سورة نحل آیت:

ترجمه: {اگر چیزی را نمیدانستید از اهل علم پرسید}.

و در آیت دیگری میفرماید: **«الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَيْرًا**» سورة فرقان آیت: **﴿٥٩﴾**

ترجمه: {الله ﷺ نهایت بخشاینده است، پس پرس از حال او دانای را}.

پس هر واعظی لائق این نیست که مردم را قسوی دهد، و هر امام مسجد و یا مؤذن اهلیت این را ندارد که مردم را در خصوص مشکلاتی که برای ایشان بیش می آید - طبق احکام شریعت خبر دهد. و این چنین هر ادیب ویا قصه گوی نمیتواند که فتواهای علماء را بطور درست برای مردم نقل نماید.

وینده مسلمان ازین چیز مسئول است که از کدام کس باید فتوا گرفت؟ زیرا الله تعالیٰ ما را به این چیز متعبد ساخته است.

ویغمبر ما ﷺ رابع به امت خود از دانشمندان و پیشوایان گمراه کندگان ترسیده است.

یکی از سلف صالح^(۱) میفرماید: این علم که شما باد میگیرید در حقیقت دین شما است، پس شما بدرستی بستجید که دین خود را از کدام کس باد میگیرید؟ پس آگاه باشید - ای بندگان خدا - ازین کونه لفظها، و علمای واقعی را شناخته، واژ ایشان در باره اموریکه بر شما اشکال وارد میشود بهرسید. و خداوند یگانه کسی است که از او کمک خواسته میشود.

^(۱) سلف صالح: گذشته گان نیک از صحابه کرام، و تبعین ایشان، و علمای اسلام اند. «مترجم»

قوهای مهیم برای تویه کنندگان

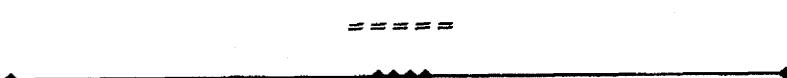
وشايد بگوئي : من ميخواهم توبه کم ، وليکن احکام توبه کردن را نميدارم ، ودر باره درست شدن توبه از بعض کاهان ، وکيفيت بجا آوردن حقوق خداوند که دران تفصير وکوتاهی نمود ، وطريقة بازگردانیدن حقوق مردم که ازيشان گرفته بودم ، در باره اين مسائل در ذهن من سوالهای زيادي وارد ميشود ، پس آيا بر اين سوالها جوابي خواهيم يافت ؟ اينک برای تو - اى رجوع گنده بسوی خدا خواهش - در زمينه اين چند سوال و جواب را تقديم ميدارم ، اميد است که دران سوخت دلت را دوae باشد .

من ۱- من در گاه واقع میگردم سهس توبه میکنم ، باز شس بدکاره ام برم غالب گردیده
بار دیگر به گاه باز میگردم ، آیا توبه اولم باطل میشود ؟ و چون گاه اول وما بعدش برم
ماقو میماند ؟

ج-۱- اکثر علماء برآورد که در صحت توبه این چیز شرط نیست که بار دیگر به گاه باز نگردد.

صحت توبه متوقف بر چند چیز است: دست برداشتن از گاه، ندامت و شیمانی از ارتکاب آن گاه، و عزم حکم که در آئنده به آن گاه باز نگردد.

بعد ازین امور اگر بار دیگر آن گاه باز کردد آنوقت مانند کسی میباشد که گاه نوکرده است، و بر او لازم است که ازین گاه نو توبه نو کند، و توبه اول او درست میباشد.



من ۲- آگر من در چند گاه واقع باشم ، از یکی آن توبه کنم ، در حالیکه بر گاه دیگر
دوم دارم ، آیا توبه ام - از گاه اول - درست میباشد ؟

ج- ۲- (آری) توبه انسان از یک گاه - هرچند که بر گاه دیگری پابند باشد - درست
میگردد ، بشرطیکه از نوع گاه اول نباشد ، و با او تعلق هم نداشته باشد .

مثلًا : آگر از سود خوری توبه کند ، در حالیکه از شراب نوشی توبه نه کرده است ،
پس توبه او از سود خوری درست میباشد ^(۱) ، عکس این نیز درست میباشد ^(۲) .

اما آگر - مثلًا - از یک نوع سود خوری توبه کند - ربای فضل - و بر نوع دیگری ازان
- ربای نسبیه - پابند باشد ، درین حالت توبه اش درست نمی باشد ^(۳) .

و به همین ترتیب آگر از چرس زدن توبه کند ، ولی بر شراب نوشی ادامه درزد ، و یا
عکس این کار کند .

و همچنان آگر از زنا با یک زنی توبه کند ، در حالیکه بر زنا با زنی دیگری پابند
باشد . این چنین اشخاص را توبه شان درست نمی باشد ؛ منتهی کاریکه ایشان انجام داده
اند این است که : آنها از یک نوع گاه به نوع دیگری ازان گاه انتقال نمودند . ^(۴)

=====

(۱) زیرا سود خوری نه از نوع شراب نوشی است و نه بلو تعلق دارد . « مترجم » .

(۲) یعنی : آگر از شراب نوشی توبه کند ، در حالیکه از سود خوری توبه نه کرده است ، توبه او از شراب نوشی درست میباشد . « مترجم » .

(۳) ربای فضل و ربای نسبیه دو نوع از سود خوری است . « مترجم » .

(۴) درین باره بکتاب " مدارج الصالکن " رجوع کرده شود .

من ۲- من در عمر گذشته ام بعض حقوق خداوند را ترک نمودم ، از قبیل : غمازهای که ادا نه نمودم ، و روزه‌ای که نگرفته بودم ، وزکانی که معن نموده بودم ، هس حالا من چه باید کنم ؟

ج- ۳- صحیح ترین اقوال در باره تارک غماز این است که : بر روی غمازهای ترک شده را قضا خواندن لازم نیست ؛ بسبب آن که وقتی آن غمازها فوت شده است ، و آن را دریافت نمکن نیست ، واز عوض آن بسیار توبه ، واستغفار ، و قتل خوانی کند ؟ تا باشد که خداوند او را عفو کند .

اما تارک روزه اگر هنگام روزه ترک کردنش مسلمان بوده باشد هس بروی قضا گرفتن آن روزها واجب است ، و اگر روزه قضائی را از یک رمضان تا دیگر رمضان بدون کدام عذری تاخیر کرده باشد درین حالت بر روی کفاره دادن نیز لازم است ، واو عبارت ازینکه با هر روزیکه قضا میگیرد یک مسکین را نیز طعام دهد ، و این کفاره تاخیر نمودن قضای رمضان تا داخل گردیدن رمضان دیگر است^(۱) ، واو یک کفاره است ، و بسبب تعدد سالماً دوچند نیکردد ، باین معنی که اگر روزه قضائی را چند سالماً هم تاخیر کرده باشد ، فقط یک کفاره میدهد .

مثال : شخصی سه روز روزه رمضان را از سال ۱۴۰۰ هـ ، و پنج روز روزه رمضان را از سال ۱۴۰۱ هـ از روی ناپروانی روزه نگرفته است ، و بعد از چند سالماً بسوی خدا

^(۱) در باره کفاره تاخیر قضائی یک رمضان تا داخل شدن رمضان دیگر یک حدیث مرفوع آمده نزد دارقطنی ۲۵۳/۷ و بیهقی ۱۹۷/۷ مگر استثنای ضعیف است ، واز حضرت ابن عباس رضی الله عنہما نزد بیهقی ۲۵۳/۴ و حضرت ابو هریره نزد دارقطنی ۱۹۶/۷ اثیبت شده که هردو به مین رای بودند . و به این قول هریک : امام مالک و امام شافعی و امام احمد گرفته اند ، و نزد امام ابو حیانه تنها قضایا گرفتن لازم است و کفاره لازم نیست . والله تعالیٰ اعلم . « مترجم » .

رجوع نموده توبه کرد ، بر این شخص لازم است که آن هشت روز را قضائی روزه بگیرد ، و هشت مسکن را در عوض تأخیر نمودن قضای آن طعام دهد .

مثال دیگری : دختری در سال ۱۴۰۰ هـ به بلوغ رسید ، و شرم کرد که خانواده اش را از حال خود خبر دهد ، پس هشت روز را که عادت ماهانه او بوده روزه گرفت^(۱) ، و آن روزها را دوباره قضای نگرفت ، وحالا - بعد از چند سال - توبه کرده است ، پس بر این زن نیز هشت روز روزه قضای گرفتن ، با هشت مسکن طعام دادن لازم است .

ویايد دانست که بين ترك نماز و ترك روزه (از تاحية حکم شرعی) فرق است ، وعلماء - رحمت الله عليهم - آن فرق را در کابهای خویش ذکر نموده اند ، بعض از علماء بر این رأی اند که : کسی که قصداً بدون کدام عذری روزه نگیرد بر وی روزه قضایی نمی باشد^(۲) .

اما کسی که زکات را اذا نکرده است پس بر وی واجب است که آن را کشیده ، و به مستحقاش بدهد ؛ زیرا زکات از یک جهت حق خداوند است، و از جهت دیگری حق قدر است^(۳) .

=====

من؟ - اگر در حق کسی از آدمیان بدی کرده باشد ، پس توبه او چگونه میباشد؟

(۱) برای زن جلیز نوشت که در حالت خون ماهانه دیدن روزه بگیرد ، و اگر روزه بگیرد روزه اش در مت نمی باشد . «متزجم» .

(۲) یعنی : از روی عقیبت نه از روی تخلف ، بلین معنی که اگر هر چند از عوض آن روز روزه بگیرد باز هم حق آن را قضای کرده نمی تواند ، و درین باره یک حدیث روایت شده ولی آن حدیث از نفعه استند ضعیف است ، و چهار علامه به شمول ائمه بر قول اول اند ، یعنی باید قضای بگیرد . «متزجم» .

(۳) برای شرح زیادتر بکتاب "مدارج السالکین" ۳۸۳/۱ رجوع کرده شود .

ج-۴- اصل و بنیاد این مسأله درین حدیث شرف بیان گردیده است : " من کانت لأخیه عدده مظلمه من عرض آو مال ، فلیتحلله الیوم قبل أن یؤخذ منه یوم لا دینار ولا درهم ، فلیز کان له عمل صالح أخذ منه بقدر مظلمه ، وإن لم یکن له عمل أخذ من سیئات صاحبه فجعلت عليه " ^(۱).

ترجمه : { هر که بر ذمة وی از برادرش کدام مظلمه ای ^(۲) از قبیل مال و یا عرض ^(۳) باشد ، باید امروز از حق آن شخص گردن خود را خلاص سازد ، پیش از شکه حق وی را از او در روزی گرفته شود که نه دیناری دران روز باشد و نه درهمی ، پس اگر او را عمل نیک باشد ، ازان عمل گرفته و برای شخص مظلوم باندازه حقش داده می شود ، و اگر عمل نیک نداشته باشد از گاهان شخص مظلوم گرفته ویر ذمة او گذاشته می شود } .

پس بندۀ توبه گذار باید گردن خود را ازین گونه مظلمه ها در دنیا خلاص سازد ، یا آنرا به اصحابش بازگرداند ، و یا ازیشان بخشش بخواهد ، اگر او را بخشنیدند خوب و گرنه باید حقشان را بدهد .

من-۵- در غیبت بعض مردم واقع شدم ، و بعض دیگری را به چیزهای تهمت نمودم که آنها ازان یاک اند ، آیا بر من لازم است که ایشان را با آنچه گفته ام خبر دهم ، و ازیشان بخشش بخواهم ؟ و اگر لازم نباشد پس چه قسم باید توبه کنم ؟

ج-۶- این مسأله اعتماد بر فهمیدن اندازه مصلحت و مفسدت دارد ، پس اگر ایشان را با آنچه غیبت نموده وی تهمت زده است خبر دهد _ آنها بر او غضب نمی شده باشند ،

(۱) روایت امام بخاری .

(۲) مظلمه : آنچه بظلم و ستم از کمی گرفته می شود ، و یا ظلم و ستم که بر کمی کرده می شود . « مترجم » .

(۳) عرض : نلومون و ایروی انسان . « مترجم » .

واین کار باعث کینه و بدینی و دشمنی آنها با او نمی گردیده باشد، درین حالت آنها را خبر دهد ، وازیشان بخشش بخواهد ، و اگرچه عبارتهاي محمل هم باشد کفایت میکند ، مثل اینکه بگوید: من پیش ازین در حق شما خطأ و غلطی کرده ام ، وبا من ذریعة سخن خویش ترا ظلم کرده ام ، وحالا من از کرده های خود توبه نمودم ، واز شما بخشش میخواهم . اگر به این چنین عبارتها معدتر بخواهد بدون تفصیل باکی ندارد .

و اگر آنها را با آنچه غایبت نموده وبا تهمت کرده است خبر دهد _ آنها بر او فهر وغضب می شده باشند ، وغم وغضبه وکینه ایشان افزایش پیدا می کرده باشد - وشاید این حالت پیشتر مردم باشد - ، و یا اینکه اگر آنها را به عبارتهاي محمل خبر دهد قناعت نمی کرده باشند ، تا به تفصیل بیان نکند ، و اگر آن را به تفصیل بشنوند ناراضن شده ، و با او زیادتر بدینی و دشمنی کنند _ درین حالت هرگز بر او لازم نیست که آنها را خبر دهد ؛ زیرا شریعت امر بزیاده نمودن مفسد ها نمی کند ، و آنکه شخصی را به چیزی خبر داده شود ، که او پیش از شنیدن آن آرام بوده ، به طریقه ای که سبب دشمنی و بدینی او گردد ، واین کار خلاف مقصد شریعت است ؛ زیرا شریعت امر به یکجا ساختن دلها ، و جلب نمودن محبت بین مسلمانان می کند ، وشاید خبر دادن آنها باعث دشمنی شود ، که بعد ازان دل آن شخص غایبت شده جهت شخص غایبت کننده هرگز صاف نه گردد .

پس درین حالت برای درست شدن توبه این چند چیز ذیل کفایت میکند:

- پیشیمان شدن ، واز خداوند جلله مغفرت خواستن ، همراه تأمل در شناخت وبدی این جرمیه ، وحرام بودن آن را یعنی داشتن .

- ۲ سخن خود را نزد کسی که غیبت وبا تهمت او را شنیده دروغ بشارد ، وبراثت او را ثابت سازد .
- ۳ خوبیهای کسی را که غیبت نموده ، در عین مجلس های که او را غیبت کرده باد نماید ، واو را مخوبی باد کند .
- ۴ از تن او دفاع کند ، و از او پشتیبانی کند چون کسی میخواسته باشد به او بدی کند .
- ۵ برای او در غیابش دعا کند ، و آمرزش خواهد .^(۱)
- و ملاحظه نما - برادر مسلمان - فرق را بین حقوق مالی و جنایات بدنی ، و بین غیبت و سخنچیتی .

حقوق مالی چون صاحبانش را خبر داده شود به فایده ایشان میباشد ، که حقوق شان برای شان بازگردانیده می شود ، و به این کار راضی و خوشبود می شوند ، ازین نگاه آن را بهان کردن جایز نیست ، به خلاف حقوق که تعلق به نگ و ناموس مردم دارد ، که اگر آنها را خبر داده شود خشم و غضب شان را زیاد می سازد ، و باعث تقص وضرر او میگردد .

=====

- من-۶- کسی که به قصد ، قتل تا حق کرده است چطور باید توبه کند ؟
- ج-۶- قاتلی که کسی را به قصد کشته است بر روی سه حق لازم میگردد :

(۱) نگاه : "مدارج الصالحین" ۹۱/۱ ، و "المغنى" هراه شرح ۷۸/۱۲

پنجم: حق خداوند عَزَّوَجَلَّ. دوم: حق شخص کشته شده. سوم: حق ورثة مقتول.

حق خداوند عَزَّوَجَلَّ بجز توبه به چیزی دیگری ادامی شود ، و حق ورثه مقتول آنست که خود را به ایشان تسلیم کند تا حق شان را به یکی از سه چیز بگیرند : یا قصاص ، و یا دیت ، و یا معاف نمودن .

باقي می ماند حق مقتول (شخص کشته شده) که آن را در دنیا وفا کرده نمی تواند ، و درینجا علماء - رحمت الله عليهم - فرموده اند که : اگر شخص قاتل بطور صحیح و درست توبه کند خدای عَزَّوَجَلَّ در روز قیامت حق مقتول را از ذمه او می بردارد ، و در عوض آن برای مقتول از جانب خود خوبیهای فراوانی عطا میفرماید ، و این قول در باره توبه قاتل بهترین اقوال است .^(۱)

=====

س-۷- درد چطور توبه میکند ؟

ج-۷- اگر چیزی که دردی کرده است در پیشش باشد باید آن را به صاحبانش بازگرداند ، و اگر تلف شده باشد ، و یا اینکه قیمتش کم شده باشد بسبب استعمال نمودن ، و یا کهنه شدن ، و یا زیاد وقت نزدش ماندن - درین حالات بر او لازم است که عوض آن را برایشان بدهد ، مگر در حالیکه او را بخشنید ، هس (گردن او خلاص می گردد) والحمد لله .

=====

مر-۸- هنکام با کسانیکه ازیشان دردی کردم روی بروی شوم بسیار احساس شرم

^(۱) نگاه : " مدارج الصالحین " ۲۹۹/۱

و خجالتی میکنم ، و نمی توانم که به صراحة با ایشان سخن گویم ، وبا ایشان بخشش خواهم ، پس چطور کنم ؟

ج-۸- باکی ندارد که یک راه پیدا کنی که دران راه این شرمندگی و خجالتی - که ترا از روی بروی شدن با آنها مانع می شود - نباشد ، مثیلکه : حقوق شان را بدست کسی دیگری بفرستی ، و او را بگو که نامت را برایشان یاد نگذد ، وبا آن را بذریغه پست بعنوان شان بفرست ، وبا آن را به پنهانی بوده و نزدشان بگذار ، وبا با ایشان توریه را استعمال نما^(۱) و یگو : این حقوق شما است ، نزد کسی بوده ^(۲) ، و او نمی خواهد که نامش را برای تان یاد کنم . مهم اینکه حق را به صاحبаш باز گردانی .

=====

من-۹- از جیب پدرم به خفیه و پنهانی دزدی میکرم ، وحالا میخواهم که تو به کنم ، لیکن نمیدانم که از جیب شان چقدر گرفته ام ! ومن از صراحة با وی خوار میخورم . (چه باید کنم ؟)

ج-۹- باید چیزی را که از جیب پدرت گرفته ای ، اندازه آن را بجزی که برگان غالب می آید تحدید نموده ، وبا از اقدار زیادتر برای پدرت باز گردان ، وباکی ندارد که آن را بطریکه (خفیه و پنهان) گرفته بودی پس دوباره (خفیه و پنهان) باز گردانی .

=====

(۱) توریه : پوششیدن و پنهان کردن حقیقت ، امری را بخلاف حقیقت نشان دادن ، حقیقت را نهفتن و طور دیگر و نمود کردن . « مترجم » نقل از فرهنگ صدید .

(۲) مقصودش خودش باشد تا دروغ شماریده نشود . « مترجم » .



من ۱- از بعض مردم اموالی را دزدی نمودم ، وحالا توبه کردم ، ولیکن آدرسهای آنها را نمیدانم (تا اموال شان را بازگردانم)

شخص دیگری میگوید: از یک شرکت اموالی را به ربودگی گرفتم^(۱) ، وحالا آن شرکت وظیفه خود را بسر رسانیده ، وازن کشور برآمده است .

شخص سومی میگوید: از یک دکان تجارتی بعض سامانها را دزدی کرده بودم ، وحالا آن دکان جای خود را تغیر نموده ، وصاحبش را نمی شناسم .

ج- ۱۰- باید تا جایی که طاقت داری ایشان جستجو کسی ، اگر ایشان را یافته حقوق شان را برایشان بازگردان - والحمد لله - ، واگر صاحب مال وفات نموده باشد برای ورثة وی آن را داده می شود .

وآخر بعده از جستجوی درست ایشان را نیافتنی ، آن اموال را از جانب ایشان صدقه کن ، وثاش را برای شان نیست کن ، اگرچه آنها کافر هم باشند باکی ندارد ؛ زیرا الله تعالی مزد کفاران را در دنیا مبدهد ، ودر آخرت ایشان را هیچ ثوابی نمیباشد .

وابن القیم - رحمت الله عليه - در کتاب خود " مدارج السالکین " ۳۸۸/۱ یک مسأله را شبیه به این مسأله ذکر نموده که : شخصی در یک لشکری از مسلمانان کدام چیزی را از مال غنیمت دزدی کرده بوده ، وبعد از مدتی توبه نموده ، وآنچه را که از مال غنیمت گرفته بوده آورده ، وبرای آمر لشکر تسلیم نموده ، ولی آمر آن را تسلیم نشد ، وگلت : حالا بعد ازینکه آن لشکر متفرق شده اند ، من چطور این مال را برای شان برسانم ؟!

(۱) ربودگی: چیزی را با تر دستی وجلبکی از جلنی برداشت وبردن . « مترجم » به نقل از " فرهنگ عربی " .

سپس آن شخص پیش حاجج بن الشاعر آمده ، واز او درین باره قتوی پرسید .
در جواب برایش گفت : ای بندۀ خدا ! بی شک الله ﷺ آن لشکر و نام و نسب شان را میداند ، تو پیچ یک آن مال را برای کسی که داده میشود بده ، و یا قی آن را از طرف صاحب‌اش صدقه کن ، خدای ﷺ آن را برای شان میرساند . هنس آن شخص طبق فتوای او عمل کرد .

حضرت معاویه ـ و قیک ازین قضیه باخبر شد فرمود : اگر من شخصاً این قتوی را میدادم ، آن بهتر می بود نزد من از نیم پادشاهی ام .
و نیز در " مدارج السالکین " یک فتوای دیگری شبیه به این فتوی از شیخ اسلام این تیمیه - رحمت الله علیه - در ضمن یک قصه آمده است .

=====

من ۱۱- مال بعض ایام را بزور گرفتم ، و یا آن تجارت نموده ، و روح و فایده بدست آوردم ، و آن مال زیاد شده و چند برابر گردید ، بعد ازان از خدا ترسیدم ، و پیشمان شدم ، هنس من از گاه خود چگونه توبه کنم ؟

ج ۱۱- علماء را درین مسأله چند قول است ، میانه تین و عادل ترین آن اقوال این است که : سرمایه مال اصلی را (یعنی آنقدر مال را که از ایام گرفته) با همراه نیم فایده برای ایام باز میگرداند ، گویا که با ایشان در فایده شریک باشد ، بعد از باز گردانیدن اصل مال برایشان .

اين قول روایتی است از امام احمد ، و رأی شیخ اسلام ابن تیمیه ، و ترجیح شاگرد او ابن القیم - رحمۃ اللہ علیم اجمعین - ^(۱) .

و این چندین آگر شتر و یا گوسفند چرنده ای را بزور بگیرد ، و ازان شتر و یا گوسفند بجه ها بیوجود آید - درین حالت نیز آن شترها و گوسفندها را همراه نیم بجه ها برای مالک اصلی اش باز میگرداند .

و اگر آن شترها و یا گوسفندها نزد او بعید ، قیمت آن را با نیم بجه ها باز میگرداند .

=====

من ۱۲- شخصی در فروذگاه ، شعبه باربری وظیفه دارد ، در بعض اوقات بعض سامانها نزد ایشان دیر می ماند ، آن شخص یک « تیپ » را ازان سامانها به بیرون گزیند که بجه بوده ، و حالا بعد از چند سال توبه کرده است . آیا بر او لازم است که خود آن « تیپ » را بازگرداند ؟ و یا اینکه قیمت آن را ، و یا شبیه آن یک « تیپ » بیگری را بازگرداند ؟ معلوم ننان باشد که در بازارها از نوع آن « تیپ » - حالا - وجود ندارد .

ج ۱۲- خود آن را باز میگرداند ، همراه چیری که از قیمت آن - سبب استعمال نمودن و یا کهنه شدن - کم شده است ، و آن را به یک ترتیب مناسبی بازگرداند که باعث ضرر واذیت او نشود ، و اگر بازگردانید آن ممکن نباشد ، قیمت آن را از طرف صاحب اصلی اش صدقه دهد .

=====

س-۱۳- پیش من مالی بود از ربا (از سود) ، ولیکن همه آن را خرج کرده ام ، وهیچ چیزی ازان نزد مانده است. وحالا من از گاه خود توبه کرده ام ، پس چه چیز بر من لازم است؟

ج-۱۴- بر تو بجز توبه کردن چیزی دیگری لازم نیست ، پس بسوی الله ﷺ رجوع نموده ، توبه راست درست انجام نما .

وربا (سود خوری) خیلی گاه بزرگ و خطرناکی است ، که خدای ﷺ در قرآن کریم با هیچ یکی از گهگاران اعلان جنگ نکرده مگر با سود خوران^(۱) . و مادامیکه آن مالهای ریوی همه خرج شده باشد پس حالا بر تو از جهت آن هیچ چیزی لازم نیست .

س-۱۵- یک «موتر» را بمال که بعض آن حلال و بعض دیگری حرام بوده خردم ، و آن «موتر» تا هنوز نزد میباشد ، حالا من چه کنم ؟

ج-۱۶- هر کسی بمال که بعض آن حلال و بعض حرام است چیزی بخورد که او قابل تحریمه نباشد (یعنی: قابل تقسیم نیست) مانند خانه ویا موتر ، پس باید او باندازه آن مال حرام از دیگر مالهای پاکیزه خود جدا کرده ، و آن را صدقه دهد ، بمحاطه پاکیزه ساختن ممتلكات خویش . و اگر آن قسمت از مال حرام حق دیگران باشد ، بر وی واجب است که انداره آن را برایشان بازگرداند ، به تفصیلی که قبلای داد نمودیم .

(۱) الله تعالیٰ میرفابید « ما أَنْهَا الَّذِينَ آتُوهَا الْقُوَّةَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْهَا مَا يَقْسِي مِنَ الرِّبَوَا إِنْ كَفَرُوكُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِنْ لَمْ تَنْقُضُوا فَلَا يَحْرِبُنَّ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تَنْعِمُوا فَلَكُمْ رِغْوُنَّ أَمْوَالَكُمْ لَا تَنْقُضُونَ وَلَا تَنْقُضُونَ » سوره بقره آیت: ۲۷۹ و ۲۸۰ ترجمه: { ای کسانیکه اینان اورده اید از خدا بترسید ، و ترک کنید آنچه را که باقی مانده است از مال سود ، اگر حقاً مستند از مومنان. پس اگر آن را ترک نمی کنید باخیر بشدید به جنگی از طرف خدا و رسول او ، و اگر توبه کردید پس برای شما اصل مالهای تان میباشد - و ازان اضافه تر حق ندارید - نه کسی را ظلم کنید ، و نه بر شما ظلم کرده شود } . مترجم: «.

۱۵- مالی که از طریق تجارت «سیگار» (سکریت) به فایده آمده است ، آن را چطور باید کرد؟ این چنین اگر آن مال با مالهای حلال یکجا شده باشد ، و آن را تواند جدا کرد _ چه حکم دارد؟

۱۶- هر کسی که به چیزهای حرام تجارت کند ، مانند : آلات طو ، فیته های محروم (کسبت های پست و ساز و سرود) ، سیگار ، (وغیره) در حالکه او حکم آن را میدانسته باشد ، باز توبه کند _ درین حالت باید فایده های آن تجارت حرام را در راههای خیر صرف سازد ، از برای ذمه خود را خلاص ساختن ، نه به نیت صدقه ؟ زیرا الله تعالیٰ هاکیزه است و بجز چیزهای هاکیزه چیزی دیگری را نمی پذیرد .

و اگر این مال حرام با مال حلال آمیخته شده باشد (خنثی شده باشد) ، مانند دکاندار که سیگار هم میپوشد ، و دیگر سامانهای مباح هم میپوشد _ درین حالت باید به اجتناب خود انداده آن مال حرام را تجدید نموده بیرون سازد ، تا برگمان وی غالب گردد که مال حلال خود را ازان کسب حرام پاک ساخته است ، و الله تعالیٰ در عوض آن برایش خیر بزرگی عطا فرماید ، واو تعالیٰ صاحب کرم و گشایش دهنده است .

و بطور عموم : هر که نزد خود مالی از کسب حرام داشته باشد ، و مخواهد که توبه کند :

۱) اگر در وقت کسب کردن آن مال کافر بوده باشد ، وقت توبه کردن او را به بیرون آوردن آن مال ملزم ساخته نمی شود ؟ زیرا وقیکه صحابه کرام بدین اسلام مشرف شدند رسول خدا ﷺ آنها را ملزم نساخت که مالهای حرام را که پیش خود داشته اند بیرون سازند .

۲) واگر وقت کسب کردن آن مال مسلمان بوده باشد ، و حرام بودن آن را میدانسته بود _ هس خنا آنچه از مال حرام را که بدست آورده بود ، وقتیکه توبه می کند بیرون ساخته (و در راه های خیر آن را صرف میسازد ، به غرض گردن خود را خلاص ساختن ، نه بغرض صدقه و خیرات) .

=====

من ۱۵- شخصی رشوت کار بوده ، سهیل الله تعالی او را برآ استقامت هدایت بخشیده ، حالا آن شخص در باره مالهای که رشوت گرفته بود چه کار کد ؟
ج ۱۵- این شخص بر یکی از دو حالت میباشد :

۱) یا اینکه رشوت را از کسی گرفته که او مظلوم و صاحب حق بوده ، از مجبوری رشوت داده تا حق خود را بدست آورد ؛ زیرا او بجز رشوت دادن راه دیگری در پیش نداشته تا او را بحقش برساند . درین حالت بر این شخص که رشوت گرفته واجب است که آن مال را برای صاحب حق - که رشوت داده است - باز گرداند ؛ زیرا آن مال در حکم مالی است که بزور گرفته شده باشد ، و نیز او را مجبور ساخته آن مال را از او گرفته است .

۲) و یا اینکه آن رشوت را از شخص ظالمی همانند خودش گرفته است ، که او از طریق رشوت دادن چیزهای را بدست آورده که از آن او نبوده . هس مالی را که ازین شخص گرفته است باز نمی گرداند ، بلکه باید آن را در راههای خیر مصرف کند ، مثل آن

را برای فقیران بدهد (بنیت کمک نه بنیت صدقه واجر وثواب) ، و اضافه بین باید ازینکه صاحبان حق را از حق شان - سبب رشوت گیری - محروم ساخته توبه کند .

=====

من ۱۷- کارهای حرام و تا درست را انجام داده ، و در مقابل آن اموال گرفته بودم ، حالا که من توبه نمودم آیا بر من لازم است که آن اموال را برای کسانیکه بن در مقابل آن کارها داده بودند بازگردانم ؟

ج- ۱۷- شخصی که در امور محمره (کارهای نا روا) کار میکند ، وبا برای مردم خدمتها ناروا تقدیم نموده ، و ایشان مقابل آن کارها و خدمتها چیزی میگیرد - این شخص اگر توبه کند و چیزی ازین مال حرام نزد او باقی مانده باشد باید خود را از ان مال حرام پردازد (در راهای خیر آن را صرف سازد) ، و آن را برای کسانیکه برایش داده بودند باز نگرداند .

پس زن زناکار که در مقابل زنا مالی را گرفته بوده ، وقتیکه توبه میکند آن مال را برای شخص زانی باز غنی گرداند . و مغنى و غزل خانی که در مقابل غزل خانی اش مالی گرفته بوده ، وقتیکه توبه میکند آن مال را برای کسانیکه برایش داده بودند باز غنی گرداند . و شراب فروش و یا مخدرات (چرس و ترباک وغیره) فروش وقتیکه توبه میکند قیمت آن را برای کسانیکه خریده بودند باز غنی گرداند . و کسی که به دروغ شاهدی داده ، و در مقابل آن مالی گرفته است ، وقتیکه توبه میکند آن مال را برای کسانیکه از شهادت دروغ او استقاده کرده اند باز غنی گرداند . و دیگر امور نیز بهمین قیاس میباشد .



میخواهم توبه کنم ولیکن ...

این گونه اموال برای صاحبانش بازگردانیده نمی شود؛ زیرا اگر آن را برایشان بازگرداند – برایشان دو چیز جمع میگردد: کار حرام، و عوض حرام، و باین کار آنها را برعصیت خداوند ﷺ کم میکند.

ازین نگاه او را همین قدر کافی است که خود را ازان مال خلاص سازد.

این قول اختیار شیخ اسلام ابن تیمیه و شاگرد او ابن القیم - رحمت الله علیہما - است، چنانچه در "مداج السالکین" ۳۹۰/۱ آمده است.

=====

من ۱۸- یک چیزی مرا به تشویش انداخته، و باعث نا آرامی و بی خوابی من گردیده است، آن چیز عبارت ازینکه من در فاحشة زنا با یک زنی واقع شدم، پس حالاً چگونه باید توبه کنم؟ آیا برای من جایز است که آن زن را به نکاح بگیرم، تا این قضیه را ستر کنم؟

وشخص دیگری می گوید که او در یکی از دولت های خارج در فاحشة زنا با یک زنی واقع شده، و آن زن از او حامله دار شده است. آیا این کودک پسر او میباشد؟ و آیا بر او واجب است که تقنه آن کودک را برایش بفرستد؟

ج ۱۸- در مورد امور متعلقه به فواحش پرسش های مردم زیاد شده است، به اندازه ای که برهمة مسلمانان لازم گردیده که در باره وضع و احوال خویش اعاده نظر کنند، و احوال خود را مطابق بر هدی قرآن کریم و سنت پیغمبر ﷺ اصلاح و درست کنند، خصوصاً در مسائل چشم یوشی (از دیدن حرام)، و حرام بودن خلوت (با زنی پیگانه تنها یکجا

◆◆◆◆◆

شدن) ، و نا جایز بودن مصافحت زنی اجنبی (یعنی : دست دادن بزنی بیگانه در هنگام سلام دادن) ، و بمحاب شرعی کامل ملتم بودن ، و خطورت یکجا نشست و برخاست کردن زنان با مردان ، و به کشورهای کافر سفر کردن ، و به خانه ای مسلمانی ، و خاندان مسلمان اهتمام دادن ، و زودتر عروسی کردن ، و سخنهای آن را آسان ساختن .

اما در باره جواب سوال ، پس میگوئیم که : هر که فعل فاحشه انجام میدهد او از یکی از دو حالت حالی نمی باشد :

۱) یا اینکه آن زن را مجبور ساخته و بزور زنا کرده است ، پس درین حالت بر او لازم است که برای آن زن - در عوض ضرریکه به وی رسانیده - مهر هماندش را بدهد ، همراه توبه راست و درست خالصاً لله انجام دادن ، و اگر قضیه به پیش حاکم مسلمانان ویا تایب وی همچون قاضی محکمه رسیده باشد بر او حد شرعی تطبیق میشود .^(۱)

۲) و اگر او را برضایت خودش زنا کرده باشد ، پس بر وی هیچ چیزی بجز توبه لازم نیست ، و کودک در هردو حالت با آن مرد الحاق کرده (نسبت داده) نمی شود ، و فقة او هم بر وی واجب نمی باشد ؛ زیرا آن کودک از طریق زنا بوجود آمده است ، و این گونه کودک را به مادرش نسبت داده می شود ، و چایز نیست که او را به زانی نسبت داده شود .

ومرد زانی چون توبه نماید برایش چایز نیست که زن زانیه را به نکاح خود بگیرد ؟ تا قضیه را ستر کند ، خدای تعالی میفرماید : « الزانی لا ينكح إلا زانية أو مشركة ، والزانية

^(۱) نگاه : "مدارج السالکین" ۳۳۶/۱ .

لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٌ أَوْ مُشْرِكٌ وَحْرَمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ «سورة نور آیت: ۲»

ترجمه: { مرد زنا کار نکاح نمیکند مگر زنی زنا کار و یا مشرک را، وزن زنا کار را بشکاح غنی گیرد مگر مرد زنا کار و یا مشرک، و این کار بر مومنان حرام شده است } . وزن که از طریق زنا حامله دار است بر او عقد نکاح بستن جائز نیست ، هر چند که آن کودک از جهت خود آن مرد باشد . همچنان بر زن که حامله بودن و یا نابودن او معلوم نباشد عقد نکاح بستن روا نیست .

ولی اگر هریک مرد زانی وزن زانیه توبه راست درست انجام دهند ، و ثابت گردد که آن زن در رحم خود چیزی ندارد _ درین حالت جائز است که باهم ازدواج کنند ، وزندگانی فو بطوریکه الله تعالی دوست دارد آغاز نماید .

=====

من ۱۹- من در فاحشة زنا - والعياذ بالله - واقع شدم ، وزنی را که با وی زنا کرده بودم بعداً به نکاح خود دراوردم ، واژین واقعه چند سال ها گذشته است ، و هریک از ما از صدق دل توبه نموده است ، پس حالا بر ما چه چیز واجب است ؟

ج ۱۹- مادامیکه از هر دو طرف توبه درست صورت گرفته باشد ، باید عقد نکاح را از سر به شرطهای شرعی اش بسته گرده شود ، که در حضور سربرست زن و دو شاهد صورت بگیرد ، ولازم نیست که این کار در محکمه انجام گیرد ، بلکه اگر در خانه انجام گیرد کفايت میکند .

=====

من ۲۰- زنی می‌پرسد و میگوید که او یک مردی نیکوکار را ازدواج نموده ، و پیش از عقد زواج بعض کارهایی که خلاف رضای خداوند بوده انجام داده است ، و حالا وجود اش او را ملامت میکند ، و می‌پرسد که آیا بر وی لازم است که شوهرش را با آنچه پیش از ازدواج انجام میداده خبر دهد ؟

ج- ۲۱- بر هیچ یکی از زن و شوهر واجب نیست که همسر خود را با آنچه از بدیهای که پیش از ازدواج انجام میداده خبر دهد ، و باید کسی که به چیزی ازین بدیهای مبتلا می‌شود خود را به برده خداوند عزیل پرده کند ، و برای وی توبه درست انجام دادن کنایت میکند ، (ولی اگر مردی زنی را دختر گفته بگیرد ، بعد از یکجا شدن با اوی برایش ثابت گردد که او دختر نبوده ، بسب فاحشه کاری که او قبلاً مرتکب شده بوده ، درین حالت آن مرد حق دارد که مهری را که برای آن زن داده بوده ، واپس کند ، و خود را از آن زن جدا سازد ، و اگر دید که او از گاه خود توبه نموده ، پس او را ستر کرد ، و در نکاح خود گذاشت ، برایش از جانب خداوند عزیل اجر و نواب میباشد .

=====

من ۲۲- بر کسی که میخواهد از فاحشة لواطت توبه کند چه چیز واجب است ؟
ج- ۲۳- بر کسی که این کار را کرده ، و یا کسی که در حق او این کار شده است واجب است که بسوی الله عزیل رجوع نموده ، و توبه بزرگی انجام دهد؛ زیرا هیچ قومی را دانسته

نشده که خداوند ﷺ به مانند قوم لوط بر آنها انواعی از عذاب را نازل کرده باشد ،
بخارش شناخت و بدی جزیه ای که آنها مرتکب شده بودند .
قوم لوط را خداوند ﷺ بعد اینها ذیل هلاک ساخت :

- ۱- چشمها را باز گرفت ، واشان کر شده ، و هرسو هرسو خود را میزدند ،
چنانچه الله تعالی میفرماید «**فَطَسْنَا أَعْيُنَهُمْ**»
ترجمه : {پس محوكردیم چشمها را ایشان را } .
- ۲- بر ایشان آواز سخت و غرمه بد را فرستاد .
- ۳- شهرهای ایشان را (باسمان بالا برد) روی دیگر گردانید . یعنی بالای آن را زیر وزیر
آن را بالا گردانید ، (و بر زمین زدشان) .
- ۴- بر بالای ایشان سنتکاری از گل پخته پیاپی بارانید ، و به این وسیله همه ایشان را از
بین وریشه هلاک ساخت .

ازین نگاه حدتی که بر مرتکب این فاحشه تطبیق می شود (یعنی : عقوبت شرعی او)
قتل است ، برابر است که او محسن باشد و یا غیر محسن .^(۱)

چنانچه رسول الله ﷺ فرمودند : " من وجدتمنه ی عمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل
والمفعول به ".^(۲) ترجمه : { هر که را در حال انجام دادن عمل قوم لوط دریافتید ، پس
هر یک فاعل و مفعول به را قتل کنید } .

^(۱) محسن : مرد زن دار . غیر محسن : مرد بی زن . « مترجم » .

^(۲) روایت امام ابو داود و امام ترمذی و امام ابن ماجه - رحمهم الله - ، والبائی - رحمه الله - او را صحیح گفت
است . نگاه : " ازواء الغلیل " رقم (۲۲۵۰) .

^(۳) فاعل : کسی که آن کار را در حق دیگری میکند . مفعول به : کسی که در حق وی آن کار می شود . « مترجم » .

س-۲۲- از گاهان خود توبه نموده ، و پس از خداوند **﴿رَجُوعٌ** کرده است ، ولی نزد خود بعض چیزهای حرام دارد ، مثل : آئهای ساز و سرود ، و فیتنه های بیت ، و فیلمهای فیدیو . آیا برای من جایز است که آن چیزها را بفروشم ؟ خصوصاً قیمت آنها خیلی بول زیاد میشود .

ج-۲۲- چیزهای حرم را فروختن جایز نیست ، و قیمت فروخت آن حرام است . جناب پیغمبر خدا **﴿فَرَمَدَهُ** است : "إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَمَ شَيْئًا حَرَمَ شَيْئًا" ^(۱) ترجمه : { هر کاه خداوند **﴿كُلَّ** چیزی را حرام سازد ، قیمت آن را نیز حرام ساخته است } .

و هرچه را میدانی که غیر تو آن را در چیزی حرام استعمال میکند ، برای توجیه نیست که آن چیز را برای انگس بفروشی ، زیرا الله تعالی ازین کار نهی نموده ، و فرموده است : «**وَلَا تَأْوِنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعَدُوانِ**» ^(۲) سوره مائدہ آیت ۲ : « ترجمه : { در باره گاه وستگاری با یکدیگر کمک و همکاری نکنید } . و هر قدر از مال دنیا را باخت دهی باکی ندارد؛ زیرا آنچه برایت نزد خداوند **﴿كُلَّ** در عوض آن میباشد بهتر و بادام تر است ، واو تعالی به فضل و ملت و کم خویش ترا عوض آن را میدهد .

=====

س-۲۳- من یک انسان گمراه بودم ، که افکار علمانی ^(۳) را نشر می نمودم ، و قصه ها و کتابهای الحادی ^(۴) را می نوشتم ، و شعر خود را در نشر نمودن ایاحتیت و فسق و فساد

^(۱) روایت امام ابو داود - رحمه الله - و حدیث صحیح است .

^(۲) علمانی : زنگانی دور از دین ، جدالی کامل میان دین و زنگانی ، علاقه نداشتن دین بزنگانی . « مترجم » .

^(۳) الحادی : کافری ، بی دینی . « مترجم » .

استخدام می نمودم ، خدای ﷺ مرا به رحمت خود درگ نمود ، پس مرا از تاریکیها به روشنی کشید ، و برایم هدایت نخشدید . پس من چطور توبه کنم ؟

ج ۲۳- بخدا که ایست نعمت بزرگ و مت کلان ، نعمت هدایت ، پس خداوند ﷺ را بر این نعمت شکر بکو ، و سپاس گذار ، و از او تعالی پابندی بر دین ، و زیادتر از فضلش بخواه .

کسی که زبان و قلم خود را در جنگ برعلیه اسلام ، و نشر عقاید منحرفه ، و یا بدعتهای گمراه کنده ، و فسق و فجور استعمال می نمود ، بر وی کارهای ذلیل واجب است:

اول : توبه خود را از همه آن خطاهای اعلان کند ، و به هر وسیله و راه که میتواند برای همه مردم بازگشت خود را ازان غلطیها آشکارا سازد؛ تا در باره کسانی که ایشان را گمراه ساخته است عذر کرده شود ، و باطل را که او بر آن بوده بیان نماید ، تا کسی که قبل از آن تأثیر یافته است فریب نخورد ، و آن شبههای را که میان مردم نشر کرده بود ، و آن خطاهای که دران واقع شده بود ، همه آن را جستجو ویں جویی نموده ، و هریک ازان را جواب گفته رد کند ، و از چیزی که گفته بود اعلان بیزاری کند .

و این امور را بیان کردن یک واجبی از واجبات توبه است ، خدای تعالی میفرماید: «**لَا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَابُ الرَّحِيمُ**» **(سوره بتره آیت: ۱۵۰)**
 ترجمه: {مگر کسانیکه توبه کردند ، و کارهای تباہ شده ای خویش را اصلاح نمودند ، و چیزی را که پنهان کرده بودند بیان نمودند ، پس توبه ایشان را می پذیرم ، و منم توبه پذیرنده

مهران } .

دوم : قلم و زبان خود را در نشر دین اسلام مسخر سازد ، و همه طاقت و قدرت خود را در نصرت دادن دین خدا ، و تعلیم دادن حق برای مردم ، و دعوت نمودن دیگران بسوی آن حق _ موظف سازد .

سوم : باید طاقت و توانائی خود را در رد کردن بر دشمنان خدا ، و رسوا ساختن آنها ، و آشکار نمودن نقشه ها و اندیشه های آنها استخدام نماید - چنانکه پیش ازین آنها را یاری میداد - ، و دعواهای غلط دشمنان اسلام را نیست و تابود سازد ، و شمشیری باشد برای اهل حق ضد اهل باطل .

و همچنان هر کسی را که - اگر چه در مجلس خاص به تنهائی - به چیزی از کارهای حرام و ناجایز قناعت داده باشد ، مثل : جایز بودن سود خوری ، و آنکه او فایده های مباح و روا است ، پس بر وی لازم است که چنان که آنکس را گمراه ساخته بود ، برآش حق را بیان کند؛ تا این عمل ، گماهان وی را ہاک سازد ، و خداوند خودش هدایت دهنده است .



خاتمه

ای بندۀ خدا .. ! الله ﷺ در واژه توبه را گشوده است ، هس آیا داخل غمیشوی ؟ ! در حدیث شرف آمده است که "إن للّٰه توبة باباً عرض ما بين مصراعيه ما بين المشرق والمغارب (وفي روایة: عرضه مسيرة سبعين عاماً) لا ينلق حتى تطلع الشمس من مغربها " ^(۱) ترجمه : {برای توبه در واژه ای است که برداری میان هر دو نزدکه او اندازه ما بین مشرق و مغارب است (ودر روایت دیگری آمده که : برداری او اندازه هفتاد سال راه است) آن دروازه بسته نمی شود تا وقتیکه آفتاب از مغرب پراید } .

و خداوند ﷺ به بندگانش خطاب کرده است که : " يا عبادی .. إنكم تخطتون بالليل والنهار، وأنا أغفر الذنوؤ جمیعاً، فاستغفروني أغفر لكم " ^(۲) . ترجمه : {ای بندگانم .. شما شب و روز گاه میکنید ، ومن همه کاهان را می آرمز ، هس شما از من آمرزش خواهید من شما را می آرمز } . هس آیا آمرزش غیرخواهی ؟ !

و خداوند دست مبارک خود را در شب میکشاید تا کهکار روز توبه کد ، و در روز میکشاید تا کهکار شب توبه کد ، و خداوند ﷺ عذر خواهی را دوست دارد ، هس آیا بدرگاه او پیش نمی شوی ؟ !

چه خوب سخنی است سخن بندۀ توبه گذار ، چون میگوید :

^(۱) روایت امام طیرانی - رحمة الله - در "المعجم الكبير" نگاه : "صحيح الجامع" رقم : ۲۱۷۷ .

^(۲) روایت امام مسلم - رحمت الله عليه - در صحيح خود کتاب البر والصلة بباب تحریر الظلم شماره حدیث (۴۵۱۷)

خدایا... ترا بعزمت و خواریم سوال دارم که مرا رحم غانی ، ترا به توانانی ات و کمزوریم سوال دارم ، ترا به بی نیازیت از من و محتاجیم بتو سوال دارم ، اینک پیشانی دروغگو و خططا کارم را پیش دو دستت گذاشته ام ، بندگانت بجز من بسیار اند ، ولی من بجز تو دیگر برو درگاری ندارم ، از قهر و غضبت به هیچ جانی پناه برد و با نجات طلبیده نمی شود مگر بسوی خودت ، می برسم ترا بوسیدن بندگاره ، وزاری میکنم ترا زاری کردن بندگ سرخم شده ای خوار گردیده ، و دعا میکنم ترا دعا کردن بندگ ترسنده ای ضرر رسیده ، بوسیدن کسی که از برای تو گردش خم شده ، واژ برای تو بینی اش خاک آورد شده ، واژ برای تو چشماش اشک ریزان شده ، واژ برای تو دلش ذلیل گردیده است .

قصة ذلیل را تأمل نما ، و دلالت آن را در باره توبه اندیشه کن :

آمده است که یکی از نیکوکاران در بعض راه ها می گذریده ، ناگفان دروازه ای را دید که باز شده ، وازان یک کودک فرباد زده و گیران کرده بیرون می شود ، و در هی وی مادرش او را پیش کرده ، واژ خانه پردازش میکند ، و دروازه را در روی او بند کرده ، و به خانه داخل می شود .

سپس آن کودک تا یک اندازه راه رفته ، و دور ناشده در جای خود ایستاد شد ، و هرچه فکر کرد و سنجید بجز خانه ای که او را ازان بیرون کرده شده دیگر جای آرامگاه نیافت ، و بجز مادر خود دیگر جای دهنده پیدا نکرد ، پس دل شکسته و غمگین به خانه خود باز گشت ، وقتیکه بند خانه رسید دروازه را دید که بند است ، پس بر آن دروازه نکیه نموده ، و رخسار خود را بر آستانه دروازه گذاریده ، واشکهایش بر رویش روان بوده

خواب کرد.

بعد از مدتی مادرش دروازه را باز کرده پیرون شد، و هنگامیکه پسرک خود را به این حالت دید برداشت کرده توانست، و خود را بروی انداخت، و او را در آغوش خود گرفته بوسه کرده گزین میکرد، و میگفت: ای پسرک من .. از پیش من کجا رفته؟ ترا بجز من کی جای خواهد داد؟ ترا نگفته بودم که مرا نافرمانی نمکن؟! و باعث عقوبت من مشو؟! برخلاف خوی وعادت که مرا خداوند بر آن آفریده است از نگاه رحمت و شفقت بر توا. سپس پسرک خود را گرفته داخل خانه شد.

ولیکن - بدان که - رسول خدا ﷺ میفرماید: "الله أرحم بعباده من هذه بولدها".^(۱)
ترجمه: { خداوند مهریان تر است به بندگانش ازین مادر به پرسش }.
موقع رحمت ومهریانی مادر از رحمت ومهریانی خداوند جلیل که همه چیز را احاطه کرده است کجا میباشد؟!

و خداوند ﷺ به توبه بنده اش - چون توبه کند - شادمان می شود، وما هرگز از خیر و خوبی خداوند که شادمان می شود محروم نمی مانیم.

در حدیث شریف آمده است که: خداوند ﷺ به توبه بنده اش چون توبه کند شادمان تر میباشد از شخصی که در بیانی سفر کرده است، و در یک جای ازان بیابان پائین شده، که آنجا هر که باند هلاک خواهد شد، و همراه خود شتری داشته که سر آن شتر خواراک، و آب آشامیدن خود را بار کرده بوده، و زیر سایه یک درختی رفته، و آنجا

(۱) روایت امام مسلم - رحمت الله عليه - . مترجم میگوید: حدیث منکور را امام بخاری به شماره (۵۹۹۹) و امام مسلم در صحیح خود کتاب التوبه باب: فی سعة رحمة الله تعالى به شماره (۹۱۱۲) روایت کرده اند.

سر خود را مانده ، و اندکی خواب کرد ، و وقتیکه از خواب بیدار شد دید که شترش وجود ندارد ، هس او را هر سو جستجو نمود ، بر یک بلندی بالا شده ، و هر سونگاه کرد ولی چیزی ندید ، ازان بلندی پائین شده بر بلندی دیگری بالا شد ، باز هم چیزی ندید ، تا که گرسی وشنگی بر وی غلبه نمود ، آنگاه گفت : هس بجای خود زیر آن درخت بازگردیده ، و آنجا تا مرکم رسیدن خواب میکنم . سهس از شتر خود نا امید شده ، زیر آن درخت رفته ، و در سایه آن خواب نمود ، در اثنا تیکه او این حالت را بسر میرد ، سر خود را بلند کرد که ناگهان شترش بالای سرش ایستاد است ، و ریسمان خود را کش دارد ، و بر پشت او طعام و شرابش بار است ، هس از ریسمان او گرفته (و از خوشی زیاد غلط کرده گفت : خدایا .. تو بندۀ من ، ومن برو دکار تو هست)^(۱) ، خدای ~~پیک~~ به توبه بندۀ مومن ازین شخص به بار و شتر خود زیادتر شادمان می باشد .^(۲)

بدان - برا درم - که گاه برای بندۀ توبه گذار صادق ذلت و فروتنی را پیش روی برو دکارش می بخشد ، و آه و تالله توبه گذاران نزد برو دکار جهانیان محبوب است . و بندۀ مومن همیشه کاهان خود را پیش روی خود میگذارد ، هس کاهان او براش شکستگی و شیمانی را جلب می نماید ، هس از هی آن گاه طاعتها و خوبیهای فراوانی انجام میدهد ، اندازه که شیطان شاید بگوید : ای کاش او را درین گاه واقع نمی کردم .

ازین نگاه حالت بعض توبه گذاران بعد از گناه و توبه کردن از آن ، شاید بهتر و نیکوتر باشد از حالت ایشان پیش از گاه ، هر که به اندازه توبه اش .

(۱) عبارت که در میان دو قوس است از اضلاعات متوجه میباشد ، بنا بر روایات که در زمینه ثابت شده است .

(۲) الفاظ این حدیث را از چندین روایتهای صحیحه جمع نویم . نگاه : "ترتیب صحیح الجامع" ۳۶۸/۴ .

وهر گر الله تعالی بندۀ خود را که بسوی یورودگارش روی گردانیده، و توبه کرده باز
می آید نا امید نمی سازد.

اگر - بطور مثال - یک پسر در سایه پدرش زندگی میکرده باشد ، که او را از خوبیتین طعام و شراب غذا میداده باشد ، و از بهترین لباسها می پوشانده باشد ، و بهترین تربیه میکرده باشد ، و فقہة او را میداده باشد ، و تمام مصالح او را شخصاً بجا میکرده باشد .

پس روزی او را پدرش از برای حاجتی بکدام جا فرستاد ، و در راه یک دشمن با او روی بروی شده ، واو را اسیر گرفته ، و دستهای او را پشت سرمش سخت بسته کرده ، و پیشکشور دشمنان برد . وبا او برخلاف معامله ای که پدرش با او میکرد معامله نمود ، پس هر گاه که تربیت و احسان پدرش را یاد میکرد در هر بار در دل او دردهای حسرت بیچوش میآمد ، و نوش و نعمت وزندگانی خوبی را که پیش ازین بسر می برد در یاد می آورد .

و در هنگامیکه او در اسیری دشمن بوده ، که او را سخت عذاب میداد ،
ومیخواست که او را در اخیر بکشد _ درین اثنا یکبار چشم او بسوی شهر پدرش افتاد ،
و آنگاهان پدر خود را در نزدیکی خود دید ، دویده دویده بسوی پدرش رفته ، و خود را بالای
پدرش انداخت ، و پیش روی او افتاده ، داد و تاله کرده میگفت : پدر جام .. ! پدر
جام .. ! پسرت بنگر ، بین او در چه حال است ؟!

اشکها بر رخسارش ریخته ، و دست به گردن پدرش انداخته ، واو را با غوش خود میکشد . و دشمن او در جستجویش دوان آمده روان است ، تا بالای سر او رسیده ایستاد شد ، در حالی که او پدر خود را بغل کرده ، واو را سخت قایم کرته است . آیا گفته میتوانی که این پدر پسرک خود را درین حالت برای دشمنش تسليم میکند ؟ واو را میکنارد که هرچه خواهد با پرسش بکند ؟

پس چه گمان است بآن ذاتیکه او به بندۀ خود رحیم تر است ازین پدر به پرسش ، واز مادر به بجه اش ؟ وقتیکه بندۀ بسوی او فرار کند ، واز دشمن خود به او پناه ببرد ، وقتی خود را پیش دروازه او باندازد ، و رخسار خود را در خاک بارگاه او بمالد ، و پیش دو دست او گربان کند ، و یگوید : ای بار خدایا .. رحم کن مر کسی را که بیجز تو ، او را دیگر رحم کننده ای نیست ، واو را بجز خودت دیگر یاری دهنده ای نیست ، واو را بجز خودت دیگر جای دهنده ای نیست ، واو را بجز خودت دیگر کمک کننده ای نیست ، بندۀ بیچاره ، فقیر و خیر خواهت ، تو خودت پناهگاه و نیکه گاه اویی ، نیست او را جای خلاص و راه نجات از تو مگر بسوی خودت .

پس بیا - ای برادر توبه گذارم - بسوی انجام دادن خوبیها ، و کسب کردن نیکیها ، و همتنشینی با نیکوکاران .

و با حذر باش از بازگشتن از حق بعد از شناختن آن ، و از گمراه شدن بعد از راه یافتن . و خداوند با تو باشد .

والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته .

فهرست

صفحه	عنوان	م
۳	پیشگوئی مترجم.	۱
۶	پیشگذار مؤلف.	۲
۹	مقدمه در باره خطورت سبک شمردن گاهان.	۳
۱۴	شروط و مکملات توبه.	۴
۲۴	توبه بزرگ.	۵
۲۷	توبه گاهان گذشته را محو و پاک میسازد.	۶
۳۰	آیا مرا خداوند می آمرزد ... ؟	۷
۳۴	توبه قاتل صد فقر !!	۸
۴۰	اگر در گاه واقع شوم چه باید کنم ؟	۹
۴۵	مردمان بد همیشه در دنبال من اند !!	۱۰
۴۹	آنها مرا تهدید میکنند !!	۱۱
۵۵	گاهانم زندگانی ام را تلح و تاخوش ساخته است !!	۱۲
۵۷	آیا بر من لازم است که اعتراف کنم ؟ !	۱۳
۶۲	قوهای مهم برای توبه گفتگان .	۱۴
۸۶	خاتمه .	۱۵

پوادر گرامی، و خوانند؛ محترم ..

شکی نیست که یکی از بزرگترین نعمتهاي خداوند بروندگانش اين است که دروازه قوبه را برای شان باز نموده، و آها را برای درآمدن در آن امر فرموده، و به پذیرفتن توبه آيشان وعده نموده، و برای توبه گذاران علاوه از آمرزیدن گناهان - اجر و پاداش فراوانی مهیا کرده است.

لیکن بسیاری از مردم که میخواهند توبه کنند در راه قوبه برای شان بعض مشکلات و سختیها سر میخورد، ویسا بعض اشتباه ها و سوالها در ذهن آيشان وارد میگردد، برای آن جواب بکاردارند، پس برای شان این کتاب قیمتناک را تقدیم میداریم که - إن شاء الله - در آن گمشده ای خود را در می یابند.

کتاب مذکور خیلی از مسائل ضروری، و احکام مهم، و فایده های کمیافت را در زمینه جمع نموده است، و خواندن آن برای هر مسلمان ضروری است، خصوصاً کسانیکه میخواهند بطور درست و صحیح توبه نمایند.

«مترجم»